



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه‌ها - بخش نامه‌ها - آگهی‌های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

شنبه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۲۶

مدیر سید محمد هاشمی

سال سوم - شماره ۷۵۴

صفحه ۲۰۴۳

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۹۹

روزنامه یومیه

## فهرست مندرجات

- ۱- بقیه صورت مشروح مذاکرات شانزدهمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۳
- ۲- اخبار مجلس ۱۳
- ۳- تصویب نامه ۱۴
- ۴- آگهی‌های رسمی ۱۵

# مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۶

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب:

- ۱- طرح برنامه دولت.
- ۲- تعطیل جلسه بعنوان تنفس.

مجلس یکساعت و چهل و پنج دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید.

**رئیس** - بطوریکه خاطر آقایان مسبق است امروز بحث در برنامه دولت جزء دستور است و هیئت دولت هم هستند که برنامه مطرح شود. آقای دهقان بفرمائید.

**دهقان** - يك بیانیه‌ای بود که از طرف اهالی محترم تهران بمن رسیده بود و خواهش کرده بودند که بعرض نمایندگان برسد تقدیم مقام ریاست میکنم در صورتیکه مصلحت میدانند در مجلس قرائت بشود.  
**ملك مدنی** - دستور تغییر داده شده است؟

**رئیس** - پیشنهادی در این زمینه رسیده است مجلس هم موافقت کرد قبلا که روز سه شنبه باشد باین جهت روز سه شنبه تعیین شده بود برای اینکار.

**ملك مدنی** - بنده مخالفم بانتهای دستور.  
**رئیس** - آقای عامری پیشنهادی کرده‌اند که قرائت میشود؛ پیشنهاد میکنم که برنامه دولت مقدم بر اعتبارنامه

آقای ارسنجانى مطرح شود (صحیح است).

**ملك مدنی** - بنده مخالفم.

**دهقان** - بنده هم مخالفم.

**رئیس** - آقای عامری.

**جواد عامری** - اجازه بدهید بنده توضیح

بدهم بعد مخالفت کنید. عرض کنم حضورتان معمول سابق این بود که اگر برنامه دولت طبع و توزیع شده بود و دولت خودش در مجلس حاضر میشد آن را مقدم میداشتند و تأخیر نمیکردند. راجع بطرز قضاوت مجلس هم در موضوع اعتبارنامه آنچه که در این مدت بنده استنباط کردم دیدم طرز قضاوت مجلس در يك پرده ابهامی است آمده‌اند يك تشخيصاتی داده‌اند و آنچه در این مدت بحث شده این تشخيصات عبارت از این بود که گفتند یکی صلاحیت شخصی است و یکی هم جریان انتخابات. بنظر بنده شاید اصل این تشخيص عیب نداشته باشد ولی ترتیب اینکه کدام قسمتش

مربوط بچریان است و صلاحیت شخصی تا چه حدود است این در پرده ابهام مانده، بنده لازم میدانم که از نقطه نظر دفاع از کسی و نه از نقطه نظر مخالفت با کسی فقط يك تذکر قانونی قبل از اینکار داده شود در این صورت اگر آقایان بآن استنباطی که بنده از قوانین موضوعه مملکتی در این موضوع کرده‌ام موافق باشند در آتیه طرز قضاوت در اعتبارنامه‌ها برای ما روشن میشود، اگر میل آقایان باشد بنده امروز توضیحش را میدهم و اگر آقایان میل ندارند بنده در دفعات بعد پیشنهاد میکنم به مجلس ایران (یک نفر از نمایندگان) این مربوط بموضوع نیست، بگذارید برای بعد چون بسیاری از آقایان بنده آنچه که فهمیدم و استنباط کردم دیدم تاریخ است برای آنها قضاوت مجلس و بنده واگذار میکنم باختیار آقایان، نظری بدفاع یا مخالفت ندارم فقط برای روشن کردن طرز قضاوت مجلس است نسبت باعتبارنامه‌ها، بسته بنظر آقایان است.

**رئیس** - آقای ملك مدنی.

**ملك مدنی** - بنده مخالفم فقط از نقطه نظر

يك اصلی است که همیشه معمول بوده (صحیح است) نه از جهت قضیه اعتبارنامه آقای ارسنجانى و موافقت و مخالفت بآن، ما معمولان همیشه این بود که وقتی يك اعتبارنامه در مجلس مطرح میشد تعیین تکلیف قطعی او باید بشود مگر اینکه پیشنهاد بشود که از دستور خارج شود (صحیح است) و پس از اینکه از

• این بقیه مذاکرات مشروح شانزدهمین جلسه از دوره پانزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

۱ - طرح بر نامه دولت

**رئیس** - برنامه دولت مطرح است . آقای مکی .

**مکی** - برای بنده امروز از لحاظ این که در اطراف برنامه جناب اشرف آقای قوام السلطنه مذاکراتی میکنم از يك لحاظ اسباب تأخیر است که با تمهیدات اخلاقی که من نسبت بشخص جناب ایشان دارم با برنامه ایشان مخالفت میکنم ولی از يك لحاظ برای بنده جای بسی خوشوقتی است که تمهیداتی را که نسبت بدولت و ملت و کشور دارم انجام میدهم و از زیر بار سنگین آن تمهیداتی که بشانه من بار شده شانه خالی نمیکم و عراضی را هم که اینجا عرض میکنم بعنوان تذکر است و قصد حمله بدولت ایشان نیست، تذکراتی است در کلیات برنامه ایشان، در این مدتی که مجلس شورای ملی ایران دچار فترت بود (یکی از نمایندگان - بلند تر بفرمائید) در این مدتی که مجلس شورای ملی ایران دچار فترت بود ، تقریباً از اسفند سال ۱۳۲۴ یکسال و تقریباً دو ماه و کسری میشود ، دو ماه و بیست و هفت و هشت روز ، بیست و نه روز میشود ( یکی از نمایندگان - بلندتر ) يك حوادثی در این مملکت اتفاق افتاده که در اطراف این حوادث بایستی مذاکراتی بشود و در کارهایی که بر خلاف جریان ، جریان پیدا کرده بحث بشود تا موضوع جریان گذشته تا حدی روشن بشود و در برنامه هم موضوعاتی که از جریان طبیعی خودش خارج بود هیئت محترم دولت توجه پیدا کنند و با توجه ایشان برای آینده جهاتی را که انحراف پیدا نشود ، یکی از آن جهات حکومت نظامی است که بنده بطور کلی میخواهم راجع بحکومت نظامی و چگونگی حکومت نظامی توضیح بدهم که چگونه اعلام شده و آیا دولتها مجاز بوده اند یا بنده که حکومت نظامی را اعلام میکنند یا اینکه بایستی از مجلس شورای ملی ایران اجازه تحصیل کرده باشند و سپس با اعلام حکومت نظامی مبادرت کرده باشند . اولین موقعی که حکومت نظامی اعلام شد در ربیع الاول ۱۳۲۸ بوده و این قانون حکومت نظامی قانونی نبوده که برای همیشه باشد و دولتها با استناد آن بتوانند هر وقت دلشان خواست حکومت نظامی را اعلام کنند، مرتبه دوم که حکومت نظامی اعلام شده در رجب ۱۳۲۹ بوده که برابر نور ۱۳۹۰ خورشیدی می شود . در همین موقع که از طرف مجلس شورای ملی ایران بدولت اجازه داده شد که حکومت نظامی اعلام بشود قانون دیگری هم در همان روز در همین مجلس گذشته که بموجب آن قانون دولت حق داشته دو کروونیم از خارج قرض بگیرد آن قانون که آن روز گذشت برای يك مرتبه بوده است و تصویب نامه صادر شده است که دولت ایران اجازه دارد دو کروونیم قرض بگیرد و در همان اوان هم بواسطه اینکه یکدسته از مستبدین بر علیه حکومت ملی قصد حمله و هجوم داشته اند و در داخله پایتخت هم عناصری بودند که با مستبدین همکاری میکردند و ممکن بود موجبات سقوط حکومت مشروطه را فراهم بکنند مجلس شورای ملی ایران يك راهی پیدا می کند و آن اعلام حکومت نظامی و اجازه حکومت نظامی بوده است بدولت و دولت هم حکومت نظامی را اعلام میکنند ، بموجب این قانون ، قانونش هم

اینست ، در ۲۲ رجب برابر سرطان ۱۳۲۹ که تاریخش است از وقتی که حکومت نظامی اعلام می شود اموری که راجع بامنیت و آسایش مردم است با تصویب هیئت وزراء توسط وزارت جنگ اجرا خواهد شد اصل قانون اینست که در ۲۲ رجب از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است و همانطور که عرض کردم در همان اوان قانونی گذشته که بهیئت دولت اجازه داده میشود که دو کروونیم قرض بکنند پس این يك قانون مؤیدی نبوده که دولتها هر وقت دلشان بخواد از این قانون استفاده بکنند ، حکومت نظامی را اعلام میکنند ، متأسفانه برقراری حکومت نظامی يك اشکالات زیادی را از لحاظ قانون اساسی برای ما فراهم کرده که با اصل ۹ و ۱۰ متمم قانون اساسی مغایرت دارد . در حکومت نظامی که از بعد از جنگ با نظر اعلام شد بنده تصور میکنم که هیچوقت يك قضایائی که مثل این ۱۸ ، ۱۹ ماهه ای که مجلس بوده و قایع گرفتن اشخاص و اینها اتفاق نیفتاده و اینطور با احساسات مردم و افکار عمومی حمله نشده است من جمله یکی از چیزهایی که از حکومت نظامی استفاده کردند توفیق و گرفتاری آقای آقا سید ابوالقاسم کاشانی بود ، ایشان در تهران نبودند هنگامی که بمشهد میرفتند برای زیارت ارض اقدس بین شاهرود و سبزوار با اینکه آنجا هم حکومت نظامی نبود بوسیله مأمورین ژاندارمری توقیف شدند و مدتها در زندان قزوين گرفتار بودند ، ایشان صرف نظر از اینکه یکنفر روحانی و صاحب فتوی و مرجع تقلیدند و مقلدین زیادی هم دارند افکار عمومی را بقدری نگران کرد و بقدری از این موضوع صعبانی بود که غالب جرایم تهران بحث کردند و مخصوصاً روزنامه های تهران و سایر جرایم در اطراف این موضوع مقالاتی نوشتند و چیزهایی منتشر کردند و برای اینکه درجه احترام ایشان در افکار عمومی معلوم بشود همین اندازه بس که با جلوگیری هائیکه میشد ایشان توانستند نفر سیزدهم را در انتخابات حائز بشوند پس ایشان دارای يك شخصیت و احتراماتی بودند از لحاظ روحانیت و مذهبی و قاعده رفتاری که نباید با يك فرد هادی شده باشد تا چه رسد باینکه شخص روحانی و مرجع تقلیدی را که مورد احترام قاطبه مردم شیعیه ایران و سایر نقاط دنیا هستند با ایشان شده اصولاً حکومت نظامی بنبایستی مبادرت گرفتاری بکند کرده باشد برای اینکه هیچکس را بدون قانون و بدون حکم محکمه نمی توان دستگیر کرد مگر قبل محکمه ای رای داده باشد و مجازات او تعیین شده باشد که تا چه حدودی مجازات او ثابت شده و تا چه حدودی بایستی در زندان بماند . گرفتاری ایشان بموجب حکم هیچ محکمه ای نبوده و تاجائی که بنده سراغ دارم هیچگونه سؤال و تحقیقاتی هم از ایشان نشده که آیا شما چه جرمی کرده اید و چطور بر علیه امنیت مملکت قیام کرده بودید و این مدارکی که ایشان اگر واقفاً بر علیه امنیت عمومی قیام اقدامی کرده بودند بهتر این بود که يك چنین شخصیت را فریب داده باشند بجامه و بگویند کسی که مرجع تقلید است و اینقدر مورد احترام افکار عمومی است باین دلایل این گناهان را کرده و این بزه ها را مرتکب شده و بایستی اعدام بشود بایستی حبس بشود بایستی

مجازات بشود ولی متأسفانه تاجائی که بنده اطلاع دارم نه ایشان و نه کاتبی که باموجب دستور حکومت نظامی توقیف کرده اند هیچگونه سؤال و جوابی از آنها نشد حتی بنده از آقای جمال امامی سؤال کردم ، یکی از اشخاص که گرفتار شده بود آقای جمال امامی بودند که ایشان و کیل دوره چهاردهم بودند ، هیچگونه سؤال و جوابی از ایشان نشده بود که شما را برای چه گرفتند و چرا چه آزاد کردند ، یکروز بموجب يك ورقه ای که دستور داده شده بحکومت نظامی میگردد و یکروز هم آزاد میکنند . عده زیادی از آقایان را بموجب ماده ۵ و ۸ قانون حکومت نظامی گرفتند که بعداً ثابت شد که اینها هیچکدام تصیری نداشتند و هیچگونه مدرکی بر علیه آنها نبود و اگر مدرکی بود چرا آنها را منتشر نکردید که لااقل افکار عمومی و جامعه بدانند که دیگر کرد کارهای ناشایسته و کارهای بد نشود و اگر شد بعد بموجب امر حکومت نظامی گرفتار خواهد شد همچنین بواسطه برقراری حکومت نظامی یکدسته زیادی از جرایم کشور را توقیف کرد ، بنده در یکی از روزنامه های خارجی دیدم که در فرانسه یکی از وزرای فرانسه گفته بود که چون موقع غیر عادی است خوبست که تمام جرایم را ما آزاد بکنیم تا ملت افکار خودش را صریح و روشن برای مردم بیان بکند و مردم بتوانند در اطراف قضایا و بحران هائی که پیش میآید خیلی بطور ساده و طبیعی قضاوت کرده باشند و تمام جرایم را در يك موقع بحرانی در فرانسه آزاد کردند ولی متأسفانه هر وقت که يك بحرانی در مملکت ما ایجاد میشود و هر وقت روزنه سیاست تاریك میشود غالب جرایم کشور دچار تعطیل میشوند یعنی آنها را اجباراً از انتشارشان جلوگیری میکنند و بنده خیال میکنم که این جلوگیری از آزادی افکار برخلاف قانون اساسی است و این توقیف هائی که در گذشته شده يك اعطالی است که همه اش برخلاف قانون اساسی بوده و مخصوصاً در اعلامیه های دولت بنده مشاهده کردم که اگر واقفاً دولت متکی است و میگوید که اینها هتاک می کنند بد میگویند نبایستی از نزاکت خارج بشوند چون از نزاکت خارج شده اند بایستی توقیف بشوند اما قانون هیئت منصفه داریم و قوانین دیگری هم ممکن است آورد و از مجلس گذراند که يك حسابی در کار باشد ولی همین طوری بروند يك روزنامه ای را که یکدسته ای از آن ارتزاق میکنند ، محل روزیشان هست این را بدون هیچ قانون و بدون هیچ حکم محکمه ای بخوانند توقیف میکنند ، خسارتی است که یکدسته ای وارد میشود اینطور اعمال خلاف قانون شده می شود و انگهی غالب این جرایم اعلامیه های دولت جناب آقای قوام السلطنه را دیده اند همه شان میدانند که اگر واقفاً اهانت ببطبقات دیگر خوب نیست اینها از دولت سر مشق میکنند ، اعلامیه های دولت را بنده دیدم که بوکلا حمله میکردند ، وکلای تحلیلی و وکلای نالایق ، وزرای سابق هم ، رئیس الوزراهای سابق هم بودند ، اینها در اعلامیه های دولت هست ، وقتی که دولت خودش بایست و بيك دسته از مردم بد بگوید الناس هلی دین ملوک هم ، دولت بد میگوید روزنامه ها هم بایستی سر مشق از دولت داشته باشند

دولت حرفهائی را باید استعمال نکرده باشد تا روز نامه نویسها وسیله بدستش نیفتاده باشد که شدید ترش را استعمال بکنند . راجع بحکومت نظامی هم بنده عقیده خودم را عرض میکنم که بطور کلی حکومت نظامی يك عملی است که بخلاف قانون در این مملکت اعلام شده بنده نیگوم حکومت نظامی نباشد ولی عرض میکنم هر وقت که حکومت نظامی بایستی اعلام شود قبلاً بایستی کسب اجازه از مجلس شورای ملی بشود وقتی مجلس شورای ملی اجازه داد میتواند حکومت نظامی اعلام کنند ( یکی از نمایندگان - مدت باید تعیین بشود ) ولی اگر مجلس اجازه نداد حکومت نظامی حکومت غیر قانونی است و تمام قوانین قضائی و جزائی و مدنی ما را فلج میکند هیچ معنی ندارد که با بودن حکومت نظامی ، دادگستری هم داشته باشیم این « دولت در داخل دولت » است . در مدت اعلام حکومت نظامی قوانین حکومت نظامی بایستی اجرا شود آنوقت بفرمائید در ادارات قضائی را ببندیم و بهمان سر نیزه منتحب بشویم و اگر حکومت مشروطه است و حکومت قانونی است بایستی همان طور که قانون اساسی معین کرده است کارها از مجرای قانونی و از مجرائی که معین شده به جریان بیفتد و بنده استدعا میکنم از جناب آقای نخست وزیر که راجع بحکومت نظامی تصمیمی بگیرند و این اصل کلی قانونی را که خودشان معتقد بمبانی قانونی هستند و احترام میگذازند بقانون اساسی ایران ، احترام خودشان را نشان بدهند و هر وقت که خواستند اعلام حکومت نظامی بکنند چه اشکالی دارد که از مجلس استفسار بکنند سؤال حکومت نظامی بر قرار بشود یا نشود ، موضوع دیگر قانون کبرگر انفروشان است چون می دانم غالب آقایان وزراء علاقه دارند که در مدت وزارت خودشان يك کار های مفیدی برای مملکت انجام داده باشند و این یکی از قوانینی است که امروز اسباب زحمت و بیچارگی مردم را فراهم کرده در یکی از جلساتهم خدمت آقایان عرض کردم که این قانون را در يك وضعی گذراندند که کشور ما وضع عادی نداشته است ، متفقین وارد خاک ایران شده بودند و جنس ها با يك نرخ سرسام آوری رو به ترقی و میرفت خواستند با يك وضعی که خیلی تهدید آمیز باشد از احتکار و گرانفروشی جلوگیری کرده باشند يك قانونی بنام کبرگر انفروشان گذراندند ، این قانون شاید در آن روز مفید بوده ، بنده نمیتوانم انکار بکنم که قانونگذار نظرش رفاه و آسایش مردم و تأمین امنیت و رفاه مردم نبوده ولی امروز این قانون جز زیان و ضرر و خسارت هیچ چیز دیگر برای مردم ندارد ( یکنفر از نمایندگان - باید اصلاح بشود ) در این قانون يك محکمه تعیین شده است که يك قاضی بیشتر ندارد و هر کس که از يك کاسبی شکایت بخواد بکند می رود به آن محکمه شکایت میکند که فلان جنس را بمن گران فروخته ، فوراً میفرستند عقب آن کاسب و میخوانندش ، صد ضربه شلاق برایش تعیین میکنند ، این دیگر چون و چرا ندارد و استیفاف و تمیز و خردمندان تجدید نظر ندارد بلافاصله میخوانند و شلاق میزنند و البته خود آقایان مسروق هستند که امروز تنبیهات بدنی

مرض کردم ولی حالا بطور مشروح مرض مهکتم بنده خیال میکنم با کیفیتی که این قانون نوشته می شود بصلاحت نباشد اولاً این صندلی یازده که سال گذشته تصویبنامه اش صادر شد (نخست وزیر - در آنجا نوشته شده است اگر مجلس صلاح بداند) بنده حالاً میخواستم چون تصویبنامه اش سال گذشته اجرا شده (فرامرزی - نوشته اگر مجلس صلاح بداند) بلی تصویبنامه اش را مرض میکنم سالی گذشته تصویبنامه اش از هیئت وزیران صادر شده که ۱۰ در صد از سهم مالک گرفته شود و بر سهم کشاورز اضافه شود این تصویبنامه بوسیله وزارت کار اجرا شد ولی در تمام ایران یک سر و صدائی ایجاد کرد زیرا تمام مالکین در آن موقع ممکن بود زیر بار نروند بعضی جاها احزاب توده و بعضی احزاب دیگر بودند که تقویت میکردند اجرای این تصویبنامه را ولی بعضی جاها که تشکیلات حزب توده یا احزاب دیگر نبودند اجراماند و بین زارع و مالک یک اختلافات شدیدی ایجاد کرد باین معنی که زارع میخواست صندلی یازده را مطالبه کند ولی مالک نمیداد و کار بزاراندا مرمری و فرمانداری و وزارت کار میکشید و یکدفعه چندین پرونده در وزارت کار برای همین تصویبنامه تشکیل شد. بنده با ترقی سطح زندگی کارگر و طبقه سوم کاملاً موافقم و البته دولت جناب آقای قوام - السلطنه هم یکی از کارهای مفیدی که کرده همین فکر برای طبقه سوم و چهارم مملکت بوده (صحیح است) که یک بطوری این طبقه سوم و چهارم مملکت را سطح زندگی ایشان را ترقی داده و از هزینه زندگی بکاهد ولی این صندلی یازده را غالباً و باستانی که گرفتند بلافاصله گاوشان را هم فروختند یا آمدند دندان طلا درست کردند و یا اینکه رفتند بزیارت مشهد و کربلا و این در آن در و وقتی برگشتند یک مقدار زیادی هم مقروض شدند که باید چندسال دیگر هم کار بکنند تا آن قروض خودشان را تادیه بکنند تا آمدیم در شورای عالی همران و اصلاحات که جناب آقای احمد حسین خان هدل هم تشریف داشتند و یک طرحی تهیه کردیم که واقفاً بحال کشاورز و طبقه سوم و چهارم مملکت مفید باشد گفتیم که این صندلی یازده را که میکشید بیایید شما هم یک صندوقهای تعاونی کشاورزی جمع کنید و در هر محلی معتمدین آن محل این صندوقها را نظارت بکنند، در محل خودشان اگر کسی فقیر است، بی بضاعت است اگر دارالایتم احتیاج دارد، اگر مریضخانه احتیاج دارد، اگر برای جاده سازی خودشان احتیاجی هست، اگر یک ساختمانهای ضروری لازم دارند، بیماستان لازم دارند این پول را صرف همانجا بکنید (مهندس رضوی - بعضی جاها نان ندارند) بلی، بعضی جاها نان ندارند مثل کرمان حضرت تاملی که نان ندارد و هسته خرما میخورند (مهندس رضوی - بنده کرمان ندارم) بهتر این است که این قبیل امور را در نظر بگیرند و بصرف این قبیل کارها برسانند بنده تصور میکنم این کار بهتر و مفید تر از این باشد که بروند دندان طلا بگذارند و بدردمملکت و کشور نغورند و بطوری که میکشید چرافی که بسجده سزاست بخانه حرام است، معذرت میخواهم، چرافی که بخانه رواست بسجده حرام است و اینطور حیف و میل و اتلاف

نشود، تمام این صندلی یازده که گرفته شده بنده می بینم که صرف یک مخارجی و یک مصارفی شده که هیچیک بدردموم و رفاهیت و آسایش مردم نغورده است و بعضی جاها اصولاً نداده اند برای اینکه این تصویبنامه یک اختلافاتی ایجاد کرده است که این اختلافات مزاحم زاندا مرمری و فرماندارها شده و یک مقداری از وقت مأمورین دولت را صرف جمع آوری این صندلی یازده کرده است. یک موضوع دیگری که بنده میخواستم توجه جناب آقای نخست وزیر و هیئت محترم دولت را جلب کنم موضوع اتومبیلهای دولتی است، بطوریکه بنده حساب کرده ام هزار و چند اتومبیل در ایران هست و هزینه متوسط این اتومبیلها در هر ماه از هزار و صد تومان کمتر نخواهد بود و اگر هم آقایان شیف و حساب بخواهند بنده تقدیم میکنم، هر اتومبیل دولتی تصدیق میفرماید که هزار و صد اتومبیل در ایران در حدود ۲۴ میلیون تومان بر بودجه مملکت این اتومبیلهای دولتی افزوده و با مقایسه با کشور های همجوار خودمان مثل ترکیه و کشور های همسایه دیگر که از لحاظ جمعیت میتوانیم مقایسه بکنیم مثلاً می بینم که در ترکیه بطوریکه بنده اطلاع پیدا کرده ام بیش از سی و چند اتومبیل دولتی ندارند و بقیه اعضا همه شان موظف هستند که با وسایل حمل و نقل خودشان بوزارتخانه ها و ادارات دولتی رفت و آمد بکنند و البته ۲۴ میلیون تومان برای یک کشور فقیری مثل ایران بنده تصور میکنم که مخارج خیلی ضروری و واجب تری داشته باشد که با ۲۴ میلیون تومان اقلاً در سال دو تا سه روی رودخانه با همان بندهم و بتوانیم که از این راه بر قوه تولیدی کشور بیفزاییم و یک کاری بکنیم که از فقر عمومی بکاهیم و از این گذشته داشتن چند هزار اتومبیل در همه کشور و یا در تهران اینها ایجاد بفض در یک طبقات مخصوصی میکنند و بیشتر وقت اعضا وزارتخانه صرف این است که فلان شخص اتومبیل فلان را بگیرد یا با اتومبیل فلان عضو خواسته برود نداده و گاهی هم در وزارتخانه ها کشمش و بگو مگو میشود و یک مقداری از وقت وزارتخانه ها که بایستی صرف کارهای مردم باشد صرف رسیدگی به نزاع و دعوی بین آقایان مدیران کارها و یارو ساری ادارات یا بالاتر یا پایین تر میباشد بنده میخواستم مخصوصاً توجه هیئت محترم دولت و جناب آقای وزیر را جلب کنم که اگر طوری بشود که از این هزینه بکاهد و در سال لاقلاً یک صد از این مصرف بسازند یا صد کرج یا فرض کنید سدهای دیگری که ما داریم و نیز این زمینهای لم یزرع و بایری که افتاده زیر زراعت بیریم و بقوه تولید کشور بیفزاییم اینها یک راههایی است که بنده تصور میکنم اگر توجه بفرمائید که بدون هیچ غرضی گفته میشود توجه آقایان وزراء را جلب میکنم که اگر عمل شود یک قدم عملی باشد که دولت عملاً در راه صلاح مردم بردارد. یک موضوع دیگر موضوع بعضی تشکیلات زیادی است که بیس از مجلس چهاردهم اضافه شده است یا در مجلس چهاردهم هم بوده و این تشکیلات صورت قانونی نداشته است البته بنده منکر با بعضی تشکیلات نیستم و مخصوصاً بعضی تشکیلاتی که در یکی هم بازرسی نخست وزیر و اینها حق ندارند

اصولاً بازرسی نخست وزیر وقتی بیک وزارتخانه ای میرود یک پرونده ای را بگیرد یک همچو قانونی را ندارد اگر بنشود که یک بازرسی نتواند یک کارهای اداری خودش را انجام بدهد و اگر بازرسی وزارتخانه حق دارند که در کار خودشان دخالت بکنند این بازرسی دیگر از روی ندارد روی بفرماده این بازرسی نخست وزیر را بنده تصور میکنم که یک مؤسسه و تشکیلاتی باشد که وجودش زائد باشد و اگر از این پولی که صرفش میشود صرف پرسنل این کار میشود یک کار مفید تری بکنید بقعیده بنده بفتح منگت و ملت میباشد یک موضوعی که میخواستم توجه جناب آقای وزیر را جلب کنم موضوع بانك صنعتی است بانك صنعتی تا بحال چندین مرتبه تغییر مساهبت و تغییر شکل داده و هر مرتبه که بانك صنعتی تغییر شکل داد نه تنها نتوانسته باری از دوش دولت بردارد بلکه باری هم بردوش دولت اضافه کرده است قبل از آنکه بصورت بانك صنعتی درآید یک پرسنل معینی داشت (اسدی - اینطور نیست آقا) و یک مخارج کمتری داشت اجازه بفرمائید عرض کنم شیف بهمان تحویل میدهم بانك صنعتی نه میلیون و نیم پرسنلش فقط تهران است با این اتومبیل هایش در صورتیکه وزارت فرهنگ با هفت هزار عضو یازده میلیون و نیم برای تمام ایران دارد (اردلان - تومان یا ریال) تومان قریب ۱۱ میلیون و نیم وزارت فرهنگ دارد نه میلیون رویتم بانك صنعتی دارد غیر از حقوق کارگر غیر از حقوق مهندسین کدر کارخانه کار میکنند اگر خلاف اینست تکذیب بفرمائید بنده سند دارم (اسدی - معمول است) یک موضوع بیان بانك صنعتی است که بیان بانك صنعتی وقتی منتشر شد این بیان که خود جناب آقای وزیر چون مسبوق هستند یکی از وزارتخانه هائی که ناظر بر بانك صنعتی است حق نظارت دارد (وزیر - اسحق میلان است؟) چه عرض کنم گفتند ۲۲ میلیون تومان، بیان هنوز داده نشده و شاید تا چند ماه دیگر هم نتواند بیان بدهد یک تجارتخانه کوچکی می تواند بیان بدهد ولی بانك صنعتی با این تشکیلاتی که دارد باین پرسنل نه میلیون و نیم نه ماه گذشته است و هنوز نتوانسته است بیان بدهد و آن وقت بایک حقوقهای گزافی که سه تا حقوق سه هزار تومانی است در بانك صنعتی و یک بازرسی دولت هم در بانك هست و فعلاً یکی از رفقای خودمان آقای جهانگیر تفضلی در آنجا هستند و وقتی (اسدی - ایشان سه هزار تومان نمیگیرند) ایشان وارد کار شدند بنده خیلی خوشوقت شدم و گفتم یکی از افرادی که از طبقه ما هستند رفتند آنجا وارد کار شدند و البته چون ایشان شخص آزادبخواهی هستند برده ما را بالا میزنند (یکی از نمایندگان - کی آقا) آقای تفضلی .... رئیس - بگذارید صحبت بکنند

**رئیس** - بگذارید صحبت بکنند

**رئیس** - آقای اسدی بفرمائید

**اسدی** - در بانك صنعتی سه تا است سه هزار تومانی در بودجه سال ۱۳۲۶ گذاشته اند و منشی مدیر کل هزار و پانصد تومان در بودجه برای بیش بینی کرده اند وزیر این کشور ما وزیر فرهنگ ما هزار و هفتاد تومان حقوق میگیرد منشی مدیر کل بانك (اسدی - منشی ندارد مدیر کل) خوب در بودجه بیش بینی شده است ...

**رئیس** - آقای اسدی اگر فرمایشی دارید بفرمائید

**اسدی** - از ماده ۱۰۹ که میتواند استفاده کند. و یک اتومبیل هم که منشی کل بانك صنعتی دارند با این ترتیب بنده تصور میکنم که اصولاً بانك صنعتی، بنده هیچ طرفدار این نیستم که بانك صنعتی را بیابند مثلاً اش بکنند و سرمایه داران مملکت هم بیفتند رویش و بخواهند بین خودشان سهام آنرا بخرند بنده با این قسمت مخالف هستم و بانك صنعتی هم البته بایستی کارخانجات و معادن ایران را بیک طوری که خیلی قرین صرفه باشد اداره نماید و از این مخارجات و حیف و مباهاتی که بدون مورد و زیاد است جلوگیری شود والا بنده در کلیات بانك صنعتی و از اینکه در دست دولت باشد هیچگونه مخالفی ندارم و عقیده ام اینست که بایستی دولت آنجا را درست داشته باشد بایستی آنجا را تاراج بکنند بایستی سرمایه داران بیابند بفرماید بکنند ولی عقیده ام این است خود آقای دکتر امینی باید تصدیق بکنند که بایستی از مخارج زیاد و حیف و میل هائی که میشود جلوگیری کند و این نه ملیون و نیم تومان را بنده نمیانم بهر طوری که ممکن است کاست بکاهد اقلاً چهار میلیون تومان را بکاهد یک کارخانه جدیدی وارد بکنید و با اینکه از بازار سیاه نتوانسته بانك صنعتی استفاده بکنند بنده خیال میکنم در این دو سه ساله ای که اینطور دنیا در یک بحرانی بود میتوانست اجناس خودش را خوب بفروشد و همینطور که کارخانجات سایر نقاط ایران توانستند چندین برابر کارخانه های خودشان را تحصیل بکنند البته این ها هم هزینه اصلی خودشان را استهلاک کرده باشند ولی نه تنها استهلاک نکرده است بلکه بنده تصور میکنم اگر دنیای بوضع عادی در بیاید یعنی اجناس بهمان قیمت قبل از جنگ یا با یک اضافات مختصری عرضه شود هیچکدام از این اجناسی که بانك صنعتی تهیه میکند و بیازارهای ایران میآورد اگر بیلان را در آن موقع حساب بکنیم بیلان ضرر خواهد داشت و اجناس هم خریداری نخواهد داشت پس در اصول بانك صنعتی و اینکه یک مقداری از مخارج حیف و مباهاتی که میشود باید کاست بنده تصور میکنم هیچکس انکاری ندارد. بنده الان که اینجا راجع به امور جنگل بود بنده در قسمت بازرسی نخست وزیر و امور جنگل هم که میخواستم یک توضیحاتی عرض کنم فراموش کردم، در سال ۲۲ بنده را مأمور کردند رفتم بشمال برای رسیدگی

به امور جنگل، قانونی از مجلس گذشته است که در هر سال اداره کل جنگل بانی بیش از سیصد هفتاد هزار متر کوپ حق قطع و صدور اشجار را ندارد این قانون و آئین نامه ای که گذشته بنده تصور میکنم با کمک متخصصین خارجی که شاید یک متخصص دانمارکی داشته و یک متخصص دیگری هم بود تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم شده و مجلس تصویب کرده است. در سال ۲۲ که بنده مأموریت بازرسی را پیدا کردم سه میلیون و هفتصد هزار متر کوپ پروانه صادر شده است (کلبادی - اشتباه میکنید) تمام این ها در بازرسی سابقه دارد صورت دارد سه میلیون و هفتصد هزار متر کوپ (کلبادی سه میلیون و هفتصد هزار متر کوپ در ایران جنگل نیست) (یکی از نمایندگان - یک قدری در ارقام دقت کنید) بنده هیچ اشتباه نمیکنم سه میلیون و هفتصد هزار متر کوپ بود از اداره جنگل بانی هم بنده گرفته بودم این موافقت نامه هائی هم بود مخصوصاً بنده خود اینجا بیک قدری برده ها را بالا میزنم اینجا گفته اند ۳ رقم صد و ده هزار متر کوپ، صد و ده هزار متر کوپ اجازه گرفته اند (بعضی از نمایندگان - اسم ببرید آقا) آقای ارباب مهدی یزدی، آقای قناد، اینها هر کدام صد و ده هزار متر کوپ گرفته اند (بعضی از نمایندگان - قناد که اینجا نیست را خواستم اسم ببرم میفرمائید نیست یعنی این موافقت نامه که صادر شد بهشان پروانه ندادند سه میلیون و هفتصد هزار متر کوپ موافقت نامه صادر شده و پروانه در این حدود بوده یک اسکندانی نامی بود بنام متفقین سه میلیون و هفتصد هزار متر کوپ ریخته بود و آنها توقیف شد این پرونده دارد، بنام متفقین که من دارم برای متفقین فرودگاه میسازم نمیتوانید رفته بود توی جنگل و ریخته بود، همین طور جنگل را و جاده کنده بود و جلو جنگل رفته بود که بنده در آن موقع بوزارت کشاورزی تلگرافی کردم که چون برخلاف آئین نامه جنگلها و بر خلاف قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته است مبادرت بصدور موافقت نامه و پروانه قطع اشجار شده است کلبه مقطوعاتی که در جنگلها موجود است و کلبه پروانه هائی که صادر شده است از دو جا اعتبار ساقط است این تلگراف را بنده کردم آقای حاشی زاده تشریف داشتند مدتی در بازرسی نخست وزیر مذاکره شده بود که بنده حق داشتم این تلگراف را بکنم یا نداشتم چون گفتند که این تلگراف از حدود و اختیاراتی که بنده داشتم خارج بوده بهر حال بنده تمام اینها را توقیف کردم در حدود چهار میلیون تومان آنروز حساب شد که در جنگلها اختلاس و حیف و میل شده است پرونده های اینها را فرار شد بفرماید وزارت دادگستری در زمان آقای صدرا شراف در کابینه آقای سهیلی آمدند پرونده ها را آقای هنری و دو نفر دادیار دیگر تحویل گرفتند که در حدود ۵ من پرونده بود که بنده از شمال آورده بودم این برنده را دادم آقای ضیاء الملک فرمادهم در دوره ۱۴ روی این موضوع از وزیر کشاورزی وقت و مجلس شورای ملی سؤال کردیم که قضیه پرونده ها بکجا کشید وزیر کشاورزی وقت در آنوقت آقای ۰۰۰۰ (دکتر معظمی - یک کسی) (برزین -

بودم يك تصویب نامه ای بمن دادند اصل تصویب نامه این است که برای آقای معتمد دماوندی صادر شده است که این تصویب نامه را اگر اجازه بفرمائید میخوانم (رضوی-چوب گرفته اند). نوشته اند پنج هزار متر کوب گرفته اند میخوانم. شماره ۶۱ ر ۹۷۶۲ - ۲۵۹۱۲ اداره کل جنگلها - پروانه قطع درخت. بموجب قانون و آیین نامه راجع به جنگلها و طبق درخواست مورخ ۳ ۹ ر ۲۵ آقای معتمد دماوندی و باستناد تصویب نامه بکنم بنده استدعا دارم که این حقایق را که اینجا عرض میکنم توجه بفرمایند اگر مفید بود. اطمینان دارم که ایشان تا کنون بطوری خودشان را نشان داده اند که بحرفهای حسابی توجه دارند و اقدام برای جلوگیری از افرات فریب کاری خواهند کرد (صحیح است) بنده از دره اردبیل که وارد دره آستارا شدم دو قسمت متمایز دیدم يك قسمت مرز شوروی است يك قسمت هم خاک ایران است که ما از آنجا عبور میکردیم قسمتی که مرز شوروی است بقدری خرم و شاداب و بقدری جلب توجه میکند که شما تصور میکنید در یکی از یازارهای یوبلیک درجه اول دنیا وارد شده اید ولی قسمت ایران را وقتی که وارد میشوید بقدری شما را متأثر میکند و می بیند يك حال روزی این جنگلها افتاده که اصلاً هیچ قابل مقایسه نیست ۲ کیلو متر اینطرف و ۲ کیلو متر آنطرف اینطور از هم متمایز اینجا بیابان برهوت شده است و آنجا بیابان سبز و خرم و بنده تصور میکنم که برای انظار خارجی آن طور زینبند نباشد که بگویند از لحاظ جنگلبانی خراب است و حفاظت نمی کنند و ما اینطور لا ابالی و بی احتیاطی می کنیم بهر حال جنگلهای ما روی يك قاعده ای بایستی پروانه چوب داده شود و این پروانه هارا بایستی در محوطه یا محاط خصوصی که دارند در آن محوطه خصوصی خودشان قطع اشجار نکنند و پس از قطع اشجار غرس هم بکنند متأسفانه در مملکت ما اشخاصی که جنگل ندارند، محوطه ای ندارند ولی میخواهند يك شکاری کرده باشند می آیند بدولت حمله می کنند یا واسطه می تراشند و اعمال نفوذ می کنند بهر حال اعمال نفوذ میکنند و میروند يك پروانه هائی را بدست می آورند و شروع میکنند این پروانه هارا در بازار آزاد بفروختن و البته جنگل حکم پشتوانه اسکناس را برای هر کشوری دارد زیرا تأثیر جنگل در آب و هوا بی نهایت مؤثر است و اگر جنگل در شمال ایران نباشد بنده خیال میکنم وضع طبیعی و وضع فعلی گیلان و مازندران و استرآباد از اینصورت تغییر پیدا میکنند زیرا در تیغیر آب جنگل خیلی مؤثر است و در سلامتی مردم هم ایندرخت ها چقدر مؤثر است و همچنین در بارندگی چقدر تأثیر دارد جنگل و اگر بنا بشود که جنگلهای ایران را اینطور از بین ببرند هم در وضعیت جنگلها و هم در وضعیت طبیعی ما و هم در وضعیت محصولات شمال يك تنزل فاحشی خواهد کرد که این البته بزبان مملکت است و البته باید جلوگیری کرد و روی این قاعده قوانینی که از مجلس شورای ملی گذشته است امور جنگلها اداره بشود. الان که بنده نشسته بودم دو سه نفر کافند بمن نوشتند که یکی نوشته آقای دماوندی را هم بگویند یکی دیگر هم نوشته آقای دماوندی را الان که من اینجا نشسته

قطع کردن این را اهل فن میدانند صد سال عمر میخواد، صد سال آقای وزیر کشاورزی صد سال هم میخواد. ۰۰۰ (رضوی - هیچ همچو چیزی نیست) عرض کنم بنده مطلع هستم (رضوی - باجه قطع کنیم) با وسائلی که در کشور ایران موجود است برای قطع چوب، با افرادی که وجود دارد استفاده کنیم، در گیلان و مازندران، سه میلیون متر مکعب چوب قطع کردن در این جنگلها در حدود صد سال هم میخواد اشتباه اینقدر زیاد است، اماموضوع خود بنده که صد و چند متر مکعب گفتند پروانه چوب صادر کرده اند مقدمه حضور همه آقایان عرض کنم و تمام جریده نگاران هم بدانند که اگر شخصی تاجر، بازرگان یا محدود قواعد و مقررات مشروطاً خواسته است تجارت کند، یا قطع چوب بکند جرم نیست، این اشتباه است در این کشور ما که حمله میکنند با افراد. اما اگر يك پیش نویسی برای يك متر مکعب چوب بنام بنده در ظرف این چند سال در وزارت کشاورزی وجود دارد تمام فرمایشات جناب عالی صحیح است (مکی - توقیفش کردم بنده) و بطور کلی بفرمائید نگذارید که يك مطالبی را تزریق بکنند تا در پشت این تریبون کذب او بنام ایران ثابت گردد حال مطالبی که دارم در اطراف برنامه است بعد بعرض میرسانم.

**مکی - بنده يك توضیح کوچکی دارم.**  
**رئیس - بفرمائید بنشینید آقای**  
**مکی - آخر اینکه تبیض است ایشان گفتند بنده را کوك کردند بنده خودم بازرگ و بزه بودم آقای**  
**رئیس - بنشینید. آقای گرگانی - بفرمائید.**  
**رئیس - آقای وزیر بهداری**  
**وزیر بهداری (آقای دکتر اقبال) - بنده اینجا چون راجع آقای اعزاز نیک بی صحبت شد لازم شد يك توضیحی راجع به آقای نیک بی به آقای مکی بدهم. بر خلاف آن چیزی که برای آقای مکی یادداشت نوشته بودند بهیچ وجه من الوجوه آقای اعزاز نیک بی راجع به آقای قوام شیرازی کوچکترین اقدامی را نکرده اند، آقای قوام شیرازی يك مقداری املاک در مازندران ایشان رسیده است و طبق مقررات قانون جنگلبانی بایستی که از دولت اجازه بگیرند در آنجا آن اشجاری که متعلق بخودشان است قطع بشود و این عملی هم که شده است طبق تصویب نامه هیئت وزیران است و بهیچ وجه من الوجوه آقای اعزاز نیک بی در این کار مداخلت نداشته اند**  
**رئیس - آقای گرگانی.**  
**عدل وزیر کشاورزی - اجازه بفرمائید آقای**  
**رئیس - بعد از آقای گرگانی.**  
**گرگانی - شکر میکنم خدا را که دوره چهاردهم با تمام سختی ها و مصائب خود خاتمه یافته و بیاری خدای تعالی و امر شاهانه و تدبیر جناب اشرف آقای نخست وزیر دور پانزدهم نیز افتتاح شده است همکاران محترم، گذشته تلفی از شهر یورد سال ۱۳۲۰ تا ختم دوره چهاردهم از نظر ما در شد تکرار تمام دشواریها و مصائب این تاریخ در این مجلس موجب ملات خواهد شد اینجناب بعضی از رؤس آن دشواریها را یادآوری میکنم تا از آنها نتایج لازم برای ملت ایران بگیریم ضمناً چون بنده جزء موافقین**

دولت هستم دفاع کامل از دولت و جواب ناطق پیش را بسایر موافقین محترم واگذار میکنم (امینی - بسیار خوب)

۱ - هجوم انب بگاک ما در نتیجه بی تدبیری اولیای امور وقت بود و باید انشاء الله در آینده طوری مجهز و دقیق باشیم که از هر گونه هجوم و مداخله بیگانگان جداً جلوگیری نمایم (صحیح است)

۲ - هرج ومرج غربی در اوضاع وزارتخانه ها و ادارات دولتی روی داده که باید با عزم اسخ آن را رفع کرد و کارمندان صحیح العمل را تشویق و خادمان را مک و خائنین را مجازات نمود (صحیح است) خصوصاً باید اشل حقوق مأمورین دولتی را باندازه های رسانید که بتوانند زندگانی خودشان را با سودگی گذرانند و نیز جداً از انحراف آنها جلوگیری نمود. (صحیح است)

۳ - اشخاصی باحرف ایران خواهی و پاتشکین حزب و جمعیت خیال تجزیه و ذیبات کشور را در سر گذرانند و با همه عوامل کسبختگی امور کمک کردند خوشبختانه با تدبیر شاهانه و زحمات جناب اشرف آقای نخست وزیر افکار خام آنها عملی نشد (صحیح است) برای عبرت باید خائنین و محرکین شدیداً تعقیب و مجازات شوند که تا افراد دیگر این قبیل خیالات خام و راهی را در مغز نگذارند. (انشاء الله)

۴ - اقتصادیات کشور در این چند سال صورت مرتبی نداشته و مزاحم طبقه زحمتکش بوده است با توسعه وزارت اقتصاد ملی و انتخاب نقشه های صحیح و عملی باید وضع اقتصاد این کشور را بهبود داده و مردم طبقه سوم را که از دست میروند بزندگی نسبتاً ساده و راحتی سوق داد. (صحیح است)

۵ - فرهنگ کشور را از صورت کهنه و فرسوده و بیروح خارج نموده با ترسیم نقشه های عملی و سریع الحصول هر چه زودتر فرهنگ کشور را از این خواب و سکوت خارج کرده و مدارس ایران را بجای ماشین کارمند دولتی ساز باشین سازنده مردان عمل و فعال و بدرد خور مملکت تبدیل کرد. (صحیح است)

۶ - بهداری که فقط اسم بی مسائی از آن باقیمانده (برزین - صحیح است) و مردم کشور خصوصاً صحرا نشین ها بهیچوجه از بهداشت بهره ای نبرده و اطلاعی ندارند اصلاح کرده و با ترتیب و روش عملی از کودت امراض گوناگون مردم را خارج نموده و از خطرات جانی آنها را نجات داد. (صحیح است) (آشتیانی زاده - احسنت)

۷ - نظام کشور را باید اصلاح نمود از نگاهداری افراد غیر مفید و غیر صالح خودداری کرد و نظام کشور را با سبکهای نوین ممالک متدینه دنیا و متناسب با موقعیت جغرافیائی کشور خودمان مجهز و آماده نمود. (صحیح است)

۸ - راهها و شوسه ها که در اثر تردد زیاد و بی مبالائی مأمورین دولتی بصورت خرابه و ویرانه درآمده است باید اصلاح کرد و از این صورت بد و مفتضح امروزی خارج نمود.

۹ - موجبات استفاده از منابع ثروتی و معدنی ایران را فراهم کرد که تا از فقر عمومی جلوگیری بعمل آید. (صحیح است)

۱۰ - فلاح و کشاورزی که فقط نامی از آن باقیمانده با اسلوب جدید و وسائل امروزی در مملکت شروع و اقدام شود. از تشویق زارعین و کمک بآنها بهیچوجه خودداری نشود و دست کسانی که بنام زارع ولی در باطن مزاحم این دسته هستند گرفته و از زمره زارعین خارج نمود.

۱۱ - وضع صادرات و واردات و همچنین تجارت کشور را با راههای مرتب و از روی نقشه اصلاح نمود و نگذاشت که محصولات فراوان و بر بهای کشور که مشتریان زیادی در بازار های دنیا دارد در ایران مانده و پوسیده شود (صحیح است) و همچنین از ورود اشیاء بیفایده و لو کس که مانند سیل بدون هیچ گونه کنترل بیابازار های ایران سرازیر شده و ثروت و طلائی کشور را مانند میکرب ناخوشی طاعون معو میکند جلوگیری نمود.

۱۲ - بیکاری و فقر عمومی را با ترسیم نقشه های عملی و سریع و رعایت مقتضیات عمومی کشور از بین برد (ارسنجانی - صحیح است)

۱۳ - از هزینه های گمراشته بصورت حقوق مستخدمین غیر مفید و تشکیلات هریش و طولی وزارتخانه ها و ادارات دولتی جلوگیری نمود و نگذاشت اینهمه کارمندان دولت که شاید قسمتی از آنها بهیچوجه مفید برای دولت نیستند بیجهت از ثروت کشور بدون دادن استفاده زندگی کشته البته با دادن قرضه و وام بامورین اضافی و غیر مفید، ارائه طریق و گذاشتن وسایل لازم در اختیار آنها آنها را مجبور بکارهای مفید ملی و غیر دولتی مانند تأسیس شرکتهای فلاحی و معدنی و تجاری و صنعتی نمود.

۱۴ - قوانین فرسوده و غیر قابل اجراء و فور - مالیته و تشریفات بیفایده اداری دادگستری را که بقدر جوی ارزش ندارد از بین برده و بجای آنها قوانین مفید و مناسب و امروزی وضع نمود و اصل تشویق خادم و مجازات خائن را حتماً در قوانین مفید و وضع شدنی رعایت کرد.

۱۵ - برای ایجاد امنیت در داخله کشور فکر سریع و عملی ایجاد کرد و این بی ترتیبی و هرج ومرج طلبی را که امروز رایج شده است با انتخاب مأمورین مفید و صاحب صلاحیت از بین برد (صحیح است)

۱۶ - با تمام وسائل ممکنه بشکایات مردم و طبقه زحمتکش مخصوصاً رسیدگی نموده و تا حدود امکان دردهای آنها را علاج کرده و البته باشد بدترین تصمیم از هوجوی بازی و هتاک و فحاشی مردم ذی غرض جلوگیری کامل نمود.

همه داران محترم این عرایض بنده عملی نمیشود مگر اینکه يك اکثریت قوی پارلمانی تشکیل گردد (صحیح است) و غرضی جز اصلاح کشور نداشته باشد و از هر گونه تشمت و اختلاف و اختلال دور شود و دولت از افراد صالح و وطن پرست و بی غرض و فعال تشکیل گردد و اکثریت پارلمانی مجلس طرفدار این دولت شود و از بهانه جوئی برای سقوط دولت احتراز کند و در نتیجه هیئت دولت موظف شود که در اسرع اوقات در انتخاب مأمورین و کارمندان دولت در مرکز و شهرستانها تجدید نظر کامل و فوری بعمل آورد و عناصر مشکوک و غرض ورز و فرسوده و بیفایده بر کنار و بجای آنها اشخاص صالح و مفید و وطن پرست و متعهد را از طبقه خادمان

تحصیل کرده انتخاب نماید (صحیح است) سپس طرحهای لازم برای اصلاحات داخله کشور را در کمال احتیاط ولی با رعایت اینکه در مدت کمتری باید تهیه شود آماده و تهیه نموده و با طرح نقشه هفت ساله که بهمت هیئتی در اثر امر جناب اشرف تهیه شده توأمأ بکار انداخت.

شکی نیست که سیاست خارجی ما هم باید همواره روی اصول بیطرفی و دوستی کامل و احترام متقابل با همسایگان خصوصاً اتحاد جماهیر شوروی و بریطانیای کبیر و دولت معظم امریکا باشد (صحیح است) و من قطع دارم دول معظم انتخاب از داشتن همسایه خوب و مجهز و مرتب و پیشرو بسمت ترقیات بیشتر راغبند تا همسایه ناچور و عقب افتاده و من بنام انسانیت و بشر دوستی از همسایگان نزدیک و دور معظم از طرف ملت ایران انتظار دارم که تمام اقدامات ما را که فقط برای اصلاحات کشور عملی خواهد شد مقدمات ترقی و نبل بشاهراه سعادت ما بدانند و بر هیچ محمل و غرضی تغییر نمایند و سوء تفاهاتی که ممکنست در اثر مداخله مأمورین ناشایسته و بی اطلاع ایجاد شود در نظر بگیرند و ما را در سرنوشت خود آزاد و مختار گذارند. شکی نیست همان طوریکه عرض شد اگر ماهم سبایه خوبی شوم خوبی ما به همسایگان ما خواهد رسید بدی ما. من از طرف عموم موکلین خودم که همیشه در حفظ امنیت داخلی کشور مانند سربازان مجاهد کوشش داشته اند و در وطنپرستی و شهادت مستی ضرب المثل و بی نظیرند و همچنین در رعایت قوانین و اصول هم کمال مجاهدت و کوشش را دارند قسمی که از شهریور سال ۲۰ تا کنون در صحنه های بازیهای مختلف جز وطنپرستی و شهادت و اطاعت از قانون و جانبازی و قلع قمع اشرار و پشت پا زدن بخائنین کار دیگری نکرده اند و اگر حقیقاً منصفانه قضاوت گردد خدا میگذرد ملت نجیب و وطن پرست ترا که در این مدت پنج و شش سال نموده اند بی نظیر است در خاتمه از خداوند متعال بقای سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه جوانبخت را خواهانم (صحیح است - احسنت) و اجرای نیات مفید و مقاصد عالی جناب اشرف آقای نخست وزیر را در رسانیدن کشتی هرق شده کشور بساحل نجات آرزو مند موقت هر يك از افراد هیئت دولت را که بنظور همکاری با سیاست و طرز حکومتی که ملت ایران را بسوی سعادت خواهد برد و از نکت دور خواهد کرد طالب و قول میدهم که اگر نکاتی کذا ذکر کردم بیغرضانه عملی شود ایران بهشت برین شده آبنای وطن سعادت مند و همسایگان هم خوشحال خواهند شد (صحیح است - احسنت) بون الله تعالی.

**رئیس - آقای وزیر کشاورزی**  
**وزیر کشاورزی (آقای احمد حسین عدل) -** عرض بنده مختصر است راجع به جنگل صحبت زیاد میشود چون راجع بامور جنگل صحبت زیاد میشود در جرائد، در مجالس حرفهائی میزنند چیزهایی مینویسند که بسا اوقات با حقیقت وفق نمیدهد و ممکن است عرایض بنده در جواب فرمایشات آقای مکی بیکقدری مفصل باشد بنده حاضر یا همین الان جواب بدهم یا اگر اجازه بفرمایند يك جلسه مخصوصی برای این کار ترتیب بدهند. (احسنت) بفرمائید

نمایندگان - مختصر بفرمائید) در ایران ما بیست میلیون هکتار جنگل داریم از آن سه میلیون و شصدهزار هکتار در شمال است یعنی از ارسباران - آستارا گیلان - شسوار - مازندران - گرگان تا بجنورد و کوه دافی و بقیه اش جنگلهای جنوب و غرب ایران است. جنگلهای شمال جنگلهای انبوه است که قابل بهره برداری است جنگلهای غرب جنگلهای تنگ اند که قابل بهره برداری نیستند یعنی از لحاظ استفاده برای چوبهای صنعتی، از ۳ میلیون و شصدهزار هکتار که ما در شمال داریم تاکنون، عرض کنم، در این دو سه سال که بحث است بهرور زمان، در این چند سال نهصد هزار هکتار از بین رفته و بمبدل شده به بوته زار و جنگلهای پست که قابل استفاده نیستند بقیه اش دو میلیون و هفتصد هزار هکتار جنگل های انبوه اکنون داریم که از روی حساب است روی احساسات نیست که آقایان بفرمایند افران آمیز است در این جنگل دو میلیون و هفتصد هزار هکتار جنگلهای انبوه ما الان سیصد میلیون متر مکعب چوب موجود قابل استفاده هست که نظر باینکه مصرف استفاده نداریم می پوسد مصرف چوب در ایران در سال سیصد هزار متر مکعب است در سالهاییکه مصرف زیاد بود نظیر ساختمان راه آهن بود ممکن است مصرف بچهار صد هزار متر مکعب سالیانه برسد. رشد جنگلهای شمال دو میلیون متر مکعب است یعنی سالی دو میلیون متر مکعب این جنگل رشد میکند بنا بر این در ظاهر در مقابل سیصد یا چهار صد هزار متر مکعب ما دو میلیون رشد داریم غیر از سیصد میلیون متر مکعب چوب موجود، منتها این رشد در آن جنگل هائی است که فعلا از آنها استفاده نمیشود و این سیصد هزار متر مکعب سالیانه در مرزها و فلاتهای ایران است یعنی نقاطی که اساساً نباید آنجا قطع شود بنا بر این با وجود این ثروت عظیمی که ما داریم با وجود رشد زیادی که جنگلهای ما دارند سالی سیصد چهار صد هزار متر مکعب از جنگلهای ما کم میشود این حقیقت است و اما اینکه آقای مکی که فرمودند سالی سیصد و هفتاد هزار متر مکعب اجازه قطع در قانون نوشته شده غیر در قانون رقم ذکر نشده قانون جنگل میگوید که وزارت کشاورزی ناظر بهره برداری جنگلهاست یعنی در جنگلهائی که صلاحیت و استعداد دارند اجازه قطع میدهند این موضوع اجازه و پروانه باعث یک سوء تفاهم شد بخیا نشان که وزیر کشاورزی یا هیئت وزراء با رئیس جنگل میتوانند بگویند حسن آقا شما برو جنگل فلانکس را چوب هایش را ببر. هیچ همچو چیزی نیست یک کسی میآید جوازی دارد، میخواهد باو میدهند منع قانونی هم ندارد که اگر جنگل استعداد دارد چوب ندهند، او باید برود با صاحب یک جنگلی مذاکره بکند با مالک یک جنگلی مذاکره بکند قبضت را طی بکند پولش را باو بدهد رضایت او را جلب کند برونند معضرت آنجا سند رسمی بنویسند که این صاحب جنگل این مقدار چوب فروخت باین خریدار وقتی که این سند را آوردند وزارت کشاورزی باو

اجازه قطع میدهند بنا بر این صرف اجازه قطع وزارت کشاورزی دلیل قطع نمیشود برای اینکه صاحب آن جنگل باید راضی بشود ملک مال مالک است و فقط ما باید از لحاظ فنی آنرا نظارت بکنیم که از قطع جنگل سوء استفاده نشود و زیاده از استعداد از جنگل چوب قطع نشود بنا بر این اینکه می گوئید وزارت کشاورزی یا دولت اجازه میدهند هیچ چیزی نیست اما آن سه میلیون و هفتصد هزار متر کوب که فرمودند بنده همچو رقمی در نظر ندارم، در سالهای جنگ که نیروی متفقین ایران را اشغال کرد خیلی چیزها از ما رفت خیلی اقداماتی شد که برخلاف منافع اقتصادی ما بود و ناچار بودیم در راه موفقیت در امر هم که راجع بنوع بشر بود کمک بکنیم، آنها یک احتیاجی داشتند، آه آن میساختند، ساختمان هائی داشتند قشون های آنها یک احتیاجاتی داشتند تقاضا هائی کردند دولت های وقت تصویب نامه هائی صادر کردند و بنمایندگان آنها اجازه قطع دادند باز اجازه قطع بهمان ترتیبی است که عرض کردم یعنی با جلب رضایت مالک جنگل بوده است حالا این سه میلیون و هفتصد هزار متر کوب از کجا در آمده بنده خیال نمیکنم چنین اجازه ای تاحالا داده شده باشد از بدو اجرای قانون جنگل تا امروز تا ۱۳۲۶، در هر حال همین موضوع اسکندانی را که آقای مکی اشاره کردند، بنده کاملاً در نظر دارم او یک شخصی بوده که آمده است با مازندران از جنگلهای گیلان تراورس میبرد بعنوان اینکه با متفقین قرارداد بسته است بنده تلگراف کردم ۵۲ هزار تراورس او را توقیف کرد نه وقتی که توقیف شد بیرونه رفت بمعنا که در محکمه رأی دادند، دادستان رأی داد که چون مقطوعات این شخص قبل از تصویب قانون جنگل در مجلس بوده بنابراین مشمول مقررات قانون نمیشود (برزین - صحیح است قانون عطف به سابق نمیشود) چوب را آزاد کردند، سه سال وزارت کشاورزی آزاد کردن این چوبها را بتأخیر انداخت در نتیجه او آمد برای ما یک دعوائی درست کرد که چوبهای ما پوسیده است بایستی یک اجازه دیگری بدهید که ما اصلاً جوابی ندادیم بایشان، در توقیف مأمورین وزارت کشاورزی عمل میکنند بعنوان ضابط عدلیه ولی رأی از طرف ما کم داده میشود محاکم هم بواسطه گرفتاریهای زیادی که دارند نمیتوانند سرعت بکارها برسانند، برای حفظ این جنگلها حسابی که ما کردیم ۱۴۰۰ نفر جنگلبان لازم داریم که ۸۲ نفر از آنها تحصیل کرده مدارس جنگل باشد متخصص جنگل باشد، الان کادر فنی ما بیک نفر متخصص جنگل ندارد و ۱۲۰ نفر جنگلبان، البته باین کمی اعتبارات باین کمی سازمان فنی ما، باین کمی متخصص نمیشود انتظار داشت که تمام مقررات طایق الزم بالذم اجرا بشود ولی یک نکته را آقایان باید بدانند در مملکتی که سیصد، چهار صد هزار متر مکعب احتیاج دارد بنده اینجا عرض میکنم که باندازه آن اجازه قطع داده نمیشود یعنی بنده بیار سال رسیدگی کردم دیدم ۷۰ هزار متر مکعب اجازه قطع داده شده است یعنی ۲۳۰ هزار متر مکعب کمتر از آن چیزیکه احتیاج مملکت است، چوب مورد احتیاج مردم است با مقررات نمیشود جلو احتیاجات را گرفت باید راهی پیدا کرد که احتیاجات مردم رفع شود و جنگل هم خراب نشود

یک پیشنهاداتی بنده تهیه کرده ام حضور جناب اشرف قدیم میکنم باوزارت کشاورزی باید اعتبارات داشته باشد، مشکلات فنی را مرتفع کند تا مردم بتوانند از این ثروت عظیم بهره مند شوند (صحیح است) یا اینکه بنده فکر کردم و راه دیگری را که بنظر بنده عملی تر است پیشنهاد کردم اگر موافقت فرمودند اجرا میکنم امیدوارم که اگر گرفتاریها برطرف شود (بعضی از نمایندگان - انشاء الله) ولی باز اینجا تکرار میکنم که آن حرفهائی که میزنند اغلبش بی مورد است اغلب آنها روی اغراض است که چرا آن یکی پروانه گرفت بنده نگرتم همین الان یکی از آقایان نمایندگان در دفتر بنده تشریف داشتند، در نتیجه همین حرفهائی که زده شده همین تهمت هائی که زده شده حق مردم دارد یا مال میشود الان یکده از ملاکین مازندران و کجور و تنکابن پیش بنده بودند یک تقاضائی داشتند تقاضاشان هم حق است (صحیح است) منتها بنده اعتراف میکنم از بس در این موضوع صحبت کردند، چیز نوشتند تهمت زدند، من نتوانستم بآنها جواب بدهم نتوانستم حق آنها را بآنها بدهم، بنده ناچارم بنشینم یک فکری بکنم یک راهی پیدا کنم که چکار کنم فردا دو باره این حرفها را نزنند و نگویند که جواز فروشی شد چوب مال خودش است افتاده است توی جنگل و آن جا میبوسد او نمی تواند چوب خودش را ببرد آقای مهندس رضوی نوشته اند ترتیبی بفرمائید که با شخص متفرقه نرسد عرض کردم ترتیبی که بنده پیشنهاد کردم بدولت و حالا هم عرض میکنم این است که در درجه اول خود مالکین و تجاری که در عمل تجارت چوب وارد هستند شرکت هائی تشکیل بدهند و این شرکتها موظف باشند تشکیلات فنی داشته باشند و تحت نظر وزارت کشاورزی کارشان را انجام بدهند بنا بر این مالکین هم می توانند شرکت و استوفاده نمایند این بود خلاصه عرایض بنده حالا اگر اجازه بفرمائید جزء بجزء فرمایشات آقایان را جواب عرض کنم (نمایندگان - کافی است آقا)

**رئیس -** بوجوب ماده ۱۰۹ آقای دماوندی می تواند صحبت کند از موضوع و حدود بحث خارج نشود.

**معمد دماوندی -** آقای مکی خیال کردند این فرمایش را که میفرمایند الان بنده مثلا سکنه میکنم، میبیم بعد یک موضوع بسیار مهم را برای مخالفت با دولت پیدا کردند، بنده آقایان مالک جنگل هستم و شعبه چوب فروشی در رشت دارم و نوکر دولت هم بوده ام، آقای وزیر دادگستری میدانند، در ظرف شش، هفت سال اگر یک سطر در بیرونه بنده دیده باشد که زبررو شده باشد شاید پنج شش هزار بیرونه قضائی و جزائی از زیر دستم رد شده اگر یک سطر، دو خط در اطراف شخصیت من در کار قضائی دیده باشد بروید تحقیق بکنید هر گاه پس و پیش شده من حاضرم بدار بروم من در این مدت از کجا میآوردم، مجبور بودم کار خارج داشته باشم یک عرایضی هست که من نمی توانم بگویم اگر آقایان اجازه بفرمایند در جلسه خصوصی صحبت میکنم متفقین جنگلهای ما را بردند.

**رئیس -** راجع بقسمتهائی که بشما نسبت داده شده است صحبت کنید.

**معمد دماوندی -** اجازه بفرمائید بنده عرض کنم که چرا جواز گرفتیم، بهر حال اگر در این مملکت مالکیت ملکی میشود ما هم اسناد مالکیت خودمان را تقدیم آقای مکی و آنهائی که این حرفها را میزنند میکنم آنهائی این حرفها را بشما میزنند با آنها میگویم ببخشید بنده باج بشغال نمیدم چون یکده ای هستند که در این مملکت باج میخواهند و در روزنامه همام نوشته بودند من اهل این حرفها نیستم من با هم اجازه خواهم گرفت، چکنم، مال همه را اگر گرفتند مال بندرها هم بگیرند برای همین حرفها مال بنده از بین رفت زندگی من از بین رفت، رفتم جاو مال را بگیرم گفتند، نمی دانم تو بازش سرخ مخالف هستی بیرونه من در عدلیه موجود است ...

**رئیس -** از موضوع خارج نشوید.

**معمد دماوندی -** بلی، آن وقت آقای آزاد برداشتند یک مقاله بزرگی نوشتند.

**رئیس -** آقای دماوندی روزنامه کار نداشته باشید.

**معمد دماوندی -** اجازه بفرمائید عرضم را بکنم.

**رئیس -** دیگر اجازه صحبت نمیدم... (خنده حضار) (زنک رئیس) آقایان خواهش میکنم ساکت باشید.

**رئیس -** آقای کشاورز صدر بفرمائید.

**کشاورز صدر -** آقایان تصدیق بفرمائید که در دو موقع فرصت دست نماینده میافتد که در اطراف موضوعات و نواقصی که در کار میبیند پیشنهادات اصلاحی که بنظرش میآید از آن فرصت استفاده بکند و بهر مجلس برساند، یکی در موقع طرح برنامه دولت در مجلس است و یکی موقع طرح قانون بودجه، بنا بر این بنده هم که جزء اقلیت هستم و بدیخته طبیعت هم با اقلیت مخالف است، به مناسبت این طوفان دیشب بنده الان تب دارم و مبتلا به تب هستم و کسالت سرما خوردگی، بارتدگی شدیدی شد و تا آمدم خودم را جمع کنم و توی اطاق برسانم کت و کولم برد گرفت و الان تب دارم، ولی با وجود این یادداشت هائی را که کرده ام به عرض میرسانم، عرایض بنده در مورد است، یکی راجع است ببرنامج دولت که تذکر دادم بیکمیشم راجع است بموضوعاتی که در برنامه دولت نبوده و نهایت ضرورت را داشته است و حتی معتقدم که اگر این مسائل را بعرض آقایان برسانم شاید الان جناب اشرف آقای نخست وزیر و هیئت دولت موافقت بفرمایند که همان موارد پیشنهادی در برنامه دولت گذاشته شود (نخست وزیر - بسیار خوب) این نکته را هم بعرض آقایان میرسانم آقایان در وضع سابقه زندگی بنده اکثر آوارد هستند مخصوصاً آن آقایانی که در دادگستری بوده اند یا از آقایان و کلائی عدلیه بوده اند، بنده اینجا شرافت و حیثیت را ضمانت میکنم، که هر چه در اینجا میگویم بصلاح مملکتی و از روی خیر و صلاح دولت و مجلس است و یک کلمه روی اغراض شخصی یا نظر خصوصی نگفته و نخواهم گفت و در نهایت نزاکت و ادب هم مطالبی که بنظر میرسد بعرض آقایان میرسانم بنا بر این انتظار دارم از آقایان که بعرایض بنده دقیق بشوند و اگر اینجا بیاسائی اشاره کردم و مقتضی باشد

که اسمی نبرم یا نخوانم کسانی که اینجا نشسته اند گفتگویی در اطراف آنها نمایند زیرا ممکن است که بآن مسائل رسیدگی شود و شاید بعضی از آن ها درست نباشد، پس اگر اصرار کنند که اسم ببر، اسم ببر این قاعده را نمیدانم کدام یک از آقایان دارند، اسم آن وقتی برده میشود که رفته باشد بمعکله و محاکمه شده باشد و محکوم شده باشد آن وقت آن اسم را بفرمایند ...

(بعضی از نمایندگان - اینطور نیست آقا نماینده باید شهادت داشته باشد) ... بنده تصدیق میکنم که نماینده شهادت باید داشته باشد، اطاعت میکنم ولی گفته ام ممکن است اسباب گله گذاری شود ...

**رئیس -** آقایان بایستی مجلس ساکت باشد برای اینکه ناطق بتواند صحبت کند.

**کشاورز صدر -** بنده توفقی که از دولت آقای قوام السلطنه داشتم از دولتهای دیگر نداشتم دلیل آن هم این است که بنده در اواخر سال ۱۳۲۱ که مطلقاً تا آن موقع وارد روحیه شخص آقای قوام السلطنه و طرز عمل ایشان نشده بودم اتفاقاً قبل از نخست وزیری ایشان زمان آقای سهیلی بود این مقدمه را بنده عرض میکنم بعد عرایض خودم را میگویم بدر گلبایگان تصدیق آقای دکتر معظمی ایشان تشریف دادند در این جا که مأمورین دولت بقدری بیادگیری کردند و ظلم و ستم باین اهالی بدیخت و بیچاره گلبایگان که بدیخته از تقاضای بیچاره تر هستند (مهندس رضوی - غیر از زمان) کاین ها را بر این بکشید تا بحریک خود مأمورین بنام اینکه بیایند شکایت کنند، قریب چهار هزار نفر جمعیت از کنار رودخانه، گلبایگان دهائی است که بلوک کنار رودخانه است آمدند از گلبایگان برای شکایت آنها مأمورین دولت و ژاندارها بردند در مسجد حبس کردند توقیف کردند و در تلگرافخانه را برون آنها بستند بعد یک دفعه مأمور فرستادند با مسلسل و کامیون و قریب ۱۵۰ نفر از اهالی همان دهات را زنجیر کردند که دنبال آنها قریب دو هزار نفر زن میآمد، را اینها آوردند به گلبایگان، (اردلان - چه سالی آقا) ... در ۱۳۲۱ هفتش هم مربوط بجمع آوردن غله بود رفته بودند از تمام مالکین - یعنی از گلبایگان که خوشبختانه مالک عمده ندارد، رفته بودند از این رعایا ما زاد بگیرند مازاد ندادند رشوه هم دادند با این حال تصادف کرده بود که یکی از مأمورین دارائی یعنی مأمورین غله نسبت بیک خدای دهنوی یکی از زنهائی آنها بچشم بد نگاه کرده بود و یک موضوع دیگری را هم خواسته بودند که این خوشبختانه بزعم دهائی ها و دور از شهرها خیلی بد است عصبانی شده بودند برخاست بعد اداره اقتصادی که خودش غارت کرده بود برای اینکه دلایل جرم را معجز بکنند مردم را تحریک کرد، این مردم بدبختی که برایش شکایت آمده بودند آمدند گلبایگان ریختند اداره اقتصاد را آتش زدند بزین ها را خود مأمورین اقتصاد مأمورین دزد داده بودند بآنها و گفتند کبریت بزنید در آن موقع آقای آهی وزیر دادگستری بودند این قضیه که آنجا پیش آمد بنده هم در

اراک بودم آنجا جزو آن حوزه است گزارش داده بودند آقای میرزاهادی خان اشتری، مأموری از طرف عدلیه تعیین کرده بودند آقای سرهنگ ایزدی هم آمدند بنده راهم از طرف وزارت عدلیه مأمور کردند با دو نفر مستنطق رفتیم آنجا با دستور غلیظ و شدیدی که آقای آهی وزیر دادگستری وقت راجع به تعقیب این اشخاص داده بودند قریب دو سوت و پنجاه نفر توقیف شدند یعنی توی طولی شهر بانی توقیف بودند بنده با تمام این توقیف ها مخالف بودم ولی مستنطقین موافقت با توقیف میکردند، در نتیجه بین ما اختلاف شد و آمد در اراک برای رسیدگی فرض از این حکایت این موضوع بود که دولت آقای سهیلی اقتصاد و آقای قوام السلطنه رئیس الوزراء شدند بنده تلگرافی کردم که اجازه بفرمایند این مردم بدبخت و این بیچاره ما را آزاد بکنیم و مسببت اصلی آنها که مأمورین دولتی هستند و اینها را بیچاره و بدبخت کرده اند اینها را دعوت بکنیم برای محاکمه و از این مردم رفع توقیف بشود وزارت دادگستری جواب داد بنده ۵۰۰ نفر اطلاع دادم و مستنطق هم گفتم که این دستور رسیده است و بعد که تلگراف رسید مستنطق با نظر من موافقت نکرد که این کار را بکنیم برای اینکه می گفتند چون اکثر آ در ولایات نا امنی است و طغیان و شورش میشود این یک نوع تشویق و ترغیبی است که ما از شورش طلبان و این قبیل اشخاص میکنیم خوشبختانه بعد از دوروز یک تلگرافی رسید که از آقای قوام السلطنه بود و رئیس الوزراء شده بودند تلگرافی کردند باینکه همانطور که اظهار نظر کرده اید مردمیکه بیچاره و بدبخت هستند آزاد بکنید و مستخدمین دولت را که رشوه خواری کرده اند شدیداً مورد مجازات قرار بدهید این تلگراف آقای قوام السلطنه واقماً بنده را تسکین داد برای اینکه بنده تلگرافی بایشان نکرده بودم که ایشان این تلگراف را ببینند کردند بنده اینها همه را آوردم که آقای دکتر معظمی هم سابقه دارند تمام اینها را آوردم با دلایل با اقرار با مدرک در آنجا، ولی در آن موقع یکی از انگلیس ها یعنی مأمور قشون انگلیس در اراک مآزور هنگام آمد آنجا، آقای سزاوار شاهدند یک شخصی را که مسیو نور ابرو اواسیان بود و رئیس حسابداری دارائی گلبایگان بود بنده او را توقیف کردم، آن شخص آمد در اطاق آقای شریفی فرماندار گلبایگان رو کرد و گفت آقای شریفی من مأمور سیاسی دولت انگلستان و ارتش انگلستان در شهرستان اراک و این مناطق هستم یکی از دوستان ما را در اینجا توقیف کرده اند شما دستور بدهید او را آزاد کنند و ظاهراً کسانی او را توقیف کرده اند که با ستون پنجم ارتباط دارند آقای شریفی متحیر شد که چه جوابی بدهد من آنجا نشسته بودم حررها از دهن او گرفتم، گفتم آقای مآزور با من باید صحبت بکنید برای اینکه آقای فرماندار دخالت در کار ندارد من مدعی العموم هستم من فرار توقیف او را صادر کردم و این شخص ذردی کرده است دلایل داریم بایستی توقیف شود اگر دوست شما هم هست شما که جزء ملت انگلستان هستید و میگوئید که بایستی دزد و نادرست را طرد کرد و بایستی قانون را اجرا کرد و خودتان را مملکت قانونی میدانید بایستی این اعتراض را بکنید

آقایان شاهد و ناظر بودند آقای دکتر معظمی هم شاهدند ایشان بطوری مشتزد روی میز کدوات برگشت... تا حالا بوسیله مترجم صحبت میکرد ، شروع کرد بفارسی صحبت کردن ، گفت من ترا در جای او حبس خواهم کرد و من آن وقت از اطاق رفتن بیرون و گفتم تا وقتیکه مرا تکه تکه نکنند اینها را آزاد نخواهم کرده در همان موقع از وزارت دادگستری از دیوانکیفر بمن تلگراف کردند که از نقطه نظر سیاسی ما در زحمت هستیم هر طور هست این شخص را آزاد کنید و من جواب دادم باینکه نمیشود این شخصی را آزاد کرد و شاید در همان موقع هم بود که دولت آقای قوام السلطنه آمده بودند بنده را نگاهداشتند در توقیف و بعد آزاد شد این جمله معترضه بود ، خواستم عرض کنم که من آنوقت يك عمل بسیار تندى موافق سلیقه خود دیدم از آقای قوام السلطنه که خیلی خیلی بایشان امیدوار شدم و از همان موقع انتظار داشتم که ایشان وقتی زمامدار مملکت میشوند بر خلاف سایر زمامداران قدم های بلند و پررژه های خیلی مفیدی بپورند اجرا بگذارند ولی بدبختانه و با کمال تأسف باید این جا عرض کنم باینکه یا نگذاشتند ایشان را یا معبط طوری بود که نتوانستند یا نخواستند از این ۱۸ ماه فرصت که بهترین وسیله برای بهبود این مملکت بود یعنی باصطلاح بیش این مجلس رودر بایستی ندارد ( چون در دوره چهاردهم میگفتند مجلس مزاحم دولت است ) و بدون مزاحم و معارضه بودند انتظارات ملت ایران و انتظارات اصلا طلبان این بود که بیشتر از این اهتمام و کوشش بکنند و من از اینجا نفرین میفرستم بآن کسان ناصالحی که اطراف ایشان را گرفتند و نگذاشتند این اصلاحات بشود اینست که بنده انتظارات دولت آقای قوام السلطنه خیلی زیاد بود ولی الان بدون رودر بایستی عرض میکنم بنده مایوسم و حالا باز برای امتحان يك نظریات اصلاحی داشتم بعرض آقایان میرسانم که بینم چه میشود تا بنده تغییر عقیده بدهم در برنامه دولت یکی از مسائلیکه بعقیده من بایستی در دیباچه برنامه دولت قرار بگیرد تهذیب قوه قضائیه و اصلاح قوه قضائیه و ترمیم خرابیهای قوه قضائیه است که بدبختانه در برنامه دولت هیچ اسمی از آن برده نشده است ( صحیح است ) فقط بطور کتابه راجع باصلاح قوانین تذکر داده شده است و حال آنکه بعقیده بنده تمام قوانین خوب است این قوانین که الان داریم حتی آنهایی که در دوره دیکتاتوری هم تصویب شد قوانین خوبی است ولی مجری خوب باید باشد دستگاه خوب باید باشد تا بتوانند خوب اجرا بکنند ( صحیح است ) اهمیت قوه قضائیه در سر نوشت يك مملکتی بسیار تأثیر دارد اگر قوه قضائیه نباشد هیچکس تأمین مالی و جانی و ناموسی نخواهد داشت ( صحیح است ) و الان ناچار و با کمال تأسف باید عرض کنم که قوه قضائیه ما مثل نبودن است اصلا قوه قضائیه نیست دستگاه قضائی ما حقیقه زنک زده من یاد داشتی از وزارت عدلیه گرفتم که حالا ظن غالب بر آن است که سیصد بوده ولی بنده احتیاط کردم صد هزار تایش را آوردم که مبادا دروغ شود ۲۷۰ هزار پرونده معوقه در دستگاه دادگستری ایران است جناب اشرف آقای نخست وزیر ، دوست

و هفتاد هزار پرونده معوقه در دستگاه دادگستری ایران است ( برزین - بیشتر است ) این پروندهها میدانید مال کیست ؟ ده هزار از این پرونده ها مربوط بدیوان کیفر است مربوط بکسانی است که سرمایه این بدبخت ها و بیچاره های کارگر از بانک صنعتی و فلاحیتی از خارج از ایران رفته اند غارت کرده اند ، رشوه گرفته اند ، دزدی کرده اند و پرونده شان در دیوان کیفر دفن شده است و بقیه این پرونده ها هم مال بیره زن بیوه زن بدبخت ، دولت ، ملت ، مجلس ، زارع ، کاسب مال این قبیل اشخاص است که توی این عدلیه دفن شده است و هیچکدام دستشان بدمان آقای نخست وزیر نمیرسد که بگویند چرا پرونده من مانده و مشمول مرور زمان شده من بنام این افراد بنام این که یکی از وکلای دادگستری هستم نه و کیلی مجلس بعرض مجلس شورای ملی وبا اطلاع دولت رسماً میرسانم که در این موضوع تصمیم عاجلی بگیرند و این رادر برنامه دولت بگذارند چرا قوه قضائیه باین سر نوشت دچار شد بدبختانه هر وقت هر کس صحبت میکند درد ها را میگوید دوا و درمان را نمیگوید بنده مدعی نیستم باین که راه حلی که بنده پیشنهاد میکنم بهترین راه حلهاست ولی چیزی که بعقل بنده رسیده بعرض آقایان میرسانم بعد الحمد الله آقایان دیگر هستند و اطلاعات وافق و کافی از بنده بیشتر دارند اینها امان نظر بکنند و آن راه حل اصلاح ا که بنده پیشنهاد میکنم تکمیل بکنند هلی و موجباتی که اسباب خرابی قوه قضائیه و اصلا منحرف کردن این قوه از مجرای حقیقی خود بوده است اولاً مداخله دولت ها در قوه قضائیه است ، يك اصول کلی است که در تمام ممالک دموکراسی و مشروطه و در مملکت ما هم وجود دارد و آن عبارت از تفکیک قواست کسانیکه نشسته اند فلاسفه و علماء و مظهرین که بنا بر احتیاجات جامعه بشری و این قاعده را وضع کرده اند که قوا بایستی از یکدیگر تفکیک شود این یک همتی داشته يك جهتی داشته ، بیقاعد نبود یعنی احتیاجات بشر را این طور تشخیص داده اند که قوا از یکدیگر تفکیک باشد و اینها با یکدیگر تداخل نداشته باشند و هر کدام وظیفه خودشان را انجام بدهند تا موازنه بعمل بیاید و از طرف یکی بر دیگری تجاوز و تعدی نشود نخومه مداخله دولت در قوه قضائیه بطور سر بسته و اجمال عرض میکنم این است که خدا رحمت کند مرحوم داور را تغییر اصل قانون اساسی را که مبتنی بر عدم تغییر و تبدیل قضاوت بود و حکایت از استقلال قضاوت داشت تغییر کرد و با این تغییر لطمه بزرگی بوضع قضائی و قوه قضائیه ما خورد که الان هم بنده عرض خواهم کرد که شاید بازم با این تغییر بشود اقدام کرد و قوه قضائیه را سر با نگهداشت ، دولت یعنی وزیر دادگستری ، دولت یعنی معاون وزارت دادگستری یعنی مدیر کل وزارت دادگستری ، یعنی دستگاه اداری دادگستری در قوه قضائیه اگر از نزدیک با عدلیه تماس داشته باشید ، آقای دکتر عبده آقایان صدرزاده و شویشت زاده همه از نزدیک می بینند من آقایان را بشرفرقتان قسم میدهم اگر حقیقت ندارد تکذیب بکنند من تصدیق خواهم کرد بدبختانه مدهای مدیدی است در تمام دولت هائی که بوده دولت جناب اشرف در این

مدت وزرائی که بوده اند يك تبعیضاتی قائل شده اند يك نظریات خصوصی اعمال کرده اند که قوه قضائیه را از آن صورت اولیش خارج کرده اند ( صحیح است ) تغییر قضاوت ، آقا وقتی یکنفر قاضی نشسته است و می بیند بااراده يك وزیر دادگستری تغییر میکند و سر نوشت غریبی دچار میشود که باید زن و بچه او اگر صحیح العمل باشد گرسنه بماند و اگر صحیح العمل نباشد از تعقیب اعمال ناشایسته خود باز بماند چطور می تواند کار بکند جن اینکده صاحب وزیر دادگستری باشد ، البته ما قضاوت باشهامت و شرفی داریم و بنده در اینجا باصدای بلند عرض میکنم که در دادگستری وقتی به نسبت وزارتخانه های دیگر بسنجید قضاوت صحیح العمل و دانشمند و باک بیش از سایر وزارتخانه ها است ( نمایندگان - صحیح است ) قضائی دارد که حتی در زمان دوره دیکتاتوری هم مقاومت کرده اند یکی از آنها همین آقای معنائی است که رأی خود را هر چه بود داد و از کسی نهراسید و نترسید ولی روی هم رفته یکدسته دیگر از قضاوت داریم که اینها اشخاصی هستند از قضاوت باین امین صالح ، رئیس بدایت مدعی العموم بدایت و از این قبیل اشخاص آنهایی که در ولایات سرگردان ویلان و بدبخت هستند این قبیل اشخاص که وقتی وزیر دادگستری آمد بیکی از آنها تذکری داد يك مستنطق را خواست و گفت بنابر مصالح کلی دستور داد و گفت شما در این پرونده اینطور رأی بدهید این مطلبی را که گفت ولو بر مصالح و صلاح کشور هم باشد آن قضائی در هزار مورد دیگر سوء استفاده از این نظر میکند میگوید در اینجا دستور میدهند بنابر این من چرا مطلع و اغراض خود را اجرا نکنم من در اطراف این بحث نمی کنم و امثال و نظایرش را صرف نظر میکنم و عرض نمی کنم که وزارت دادگستری چه دستور هائی داد . است هم بقدر عرض میکنم مادام که فکری برای عدم مداخله قوه مجریه در قوه قضائیه نشده است از هم اکنون دولت مراقبت بکند که همین مأمورین ولو صحیح یا نا صحیح هیچکدام از جای خودشان نکان نخورند مگر اینکه پرونده آنها را بمحکمه انتظامی بکش بدتر بزرگوار آقای دکتر عبده بفرستند که ایشان رحم بر صغیر و کبیر نمیکند مادام که پرونده این کار ، قانون اینکار نیامده است بمجلس اینکار را بکنند بنده شنیده ام راجع بدعی - العموم بدایت يك مسائلی در پرونده نوشته اند ، راجع بپیراسته مدعی العموم بدایت میگویند بعنوان اینکه مظفر فیروز را تعقیب کرده است میخواهند او را تغییر بدهند ولی بنده این موضوع را اطمینان دارم و یقین دارم باینکه مدعی العموم را نمیشود تغییر داد و تغییر را بدون جهت نمیتوانند صحیح است مگر اینکه تغلفی بکند و بمحکمه انتظامی برود و در آن جا محکوم بانفصال موقت و تغییر و تبدیل از این شغل بشود ( صحیح است ) بنده میخواستم از این فرصت و از این مطلبی که الان بدهم آمد و جزو یادداشت های بنده بود تذکر بدهم و خواهش بکنم از دولت برای اینکه مدعی العموم را تشجیع نکنند تحریر نکنند در اینکه در پرونده راجع با اتهام آقای مظفر فیروز... الان من اظهار می کنم که ایشان جرمی جنایتی کرده باینکه در وقت که ادعای

هم صادر شود بنده چون خودم حاکم محکمه بودم ، وقتی که ادعای کسی صادر شود اورا متهم میدانم ولی محکوم نمیدانم ، آن شخص متهم است ولی آقای مظفر فیروز متهم بسیار بزرگی است ، آقای نخست وزیر متوجه دولت شما است که او را محاکمه بکنید و حقیقت امر را بگوش و بنظر ملت ایران برسانید که واقعا محکوم شده است یا نشده است تصویر کرده است باینکه کرده است ، پرونده بستن و الا بخدای واحد قسم است جز اینکه صاحب پرونده را مقتض بکنند فایده ای ندارد ، يك موضوع دیگر اهمیت ندادن بقضاوت یا کدمان و مأمورین رشید صحیح العمل دادگستری است که این هم از علل ضعف قوه قضائیه و از بین رفتن این قوه شده است بنده راجع بحق قضاوت عدلیه بطور سر بسته بعرض آقایان میرسانم که مدعی العموم دیوان تیز یعنی آقای هیئت که از قضاوت شریف و دانشمند و از رجالی است که خود هیئت دولت و جناب اشرف آقای قوام - السلطنه هم باو معتقد هستند این شخص در حدود هفتصد تومان حقوق میگیرد این حقوق برابر است با حقوق یکنفر ماشینست در بانک صنعتی اینطور است آقای اسدی باخیر ؟ اگر دروغ میگویم بفرمائید دروغ است ، اما قضاوت فرق دارند با مأمورین دیگر در تمام دنیا کار قضائی را جدا کرده اند ( دکتر امینی - صحیح است ) اجازه بفرمائید آقای دکتر امینی این است که بعقیده بنده وقتیکه در مملکت توجه بقضاوت یا کدمان نشد نمیبایستی انتظار داشت که در آن مملکت قوه قضائیه اش بی عیب و نقص باشد ، اما بودجه وزارت دادگستری ، بنده برای اینکه بجناب آقای هژیر خیلی ارادت دارم آن بودجه ۲۶ عدلیه را گرفتم که یک قدری اضافه کرده اند و بودجه ۲۵ را نیاوردم ، بودجه وزارت دادگستری یعنی تمام مأمورین اداری ، لوازم - التحریرش تعمیراتش ، مدیر کلها ، اتومبیلها تمام هزینه اش هست و آن وقت قضاوت بدبخت بیچاره بودجه اداریش هفت میلیون و سیصد هزار تومان است آقای هژیر و حال آنکه بودجه اداره املاک و اگذاری در وزارت دارائی شش میلیون و پانصد هزار تومان است ، من برای آقایان يك توضیح میدهم ، این اداره املاک و اگذاری را که خدای واحد شاهد است که يك قدم بر نمی دارد و تمام کار آن را شخص آقای هژیر انجام میدهد ، خود ایشان میگفتند ، من يك آدم بی انصافی نیستم ، حالا که صحبت وزارت دارائی شد حقوقی میکنم ، این آقای هژیر يك مردی است که خدای واحد شاهد است ببرد این کار میخورد وای کاش سایر رجال ما هم این قدر یشتکار داشتند که اگر يك مدیر کل حوصله شنیدن حرف ارباب رجوع را نداشت مثل ایشان میشدند و الحمد الله آقایان وزیران دیگر هم همه شان خوبند و حالا بنده برای آقایان عرض میکنم که این اداره املاک و اگذاری که برابر با بودجه تمام وزارت دادگستری و برابر بودجه قوه قضائیه کشور شاهنشاهی ایران حقوق میگیرد این همان اداره ای است که از زمان رضا شاه فقید با چهار نفر مباشر اداره میشد و در آمدش هم ۵ برابر حالا بود ( مهندس رضوی - آنوقت مأمورین دولت برایش

کار میکردند بنده نمی خواهم دفاع بکنم ولی این را باید بدانید ) اجازه بفرمائید عرض کنم بنده نخواستم هیچ اداره نباشد ، عرض کردم که بقدر وزارت عدلیه وسعت نداشته باشد و بنده هم تعریف نکردم عرض کنم آقای مهندس رضوی نباشد قطع کلام بفرمائید ( صحیح است ) من تعریف از کسی نکردم ، من گفتم در آمدش از زمان رضا شاه آنجا زیاد تر بوده است ( سزاوار - مگر خیانت کرد؟ ) ( مهندس عباس مسعودی - مگر خیانت کرد ) ( مهندس رضوی - بله آقا خیانت کرد بودجه مملکت را صرف املاکش کرد ، خرج منزلش کرد ) ( محمد علی مسعودی - چرا آقای رئیس هر کس هر چه میخواهد میگوید یعنی چه بودجه مملکت را صرف خودش میکند ؟ یکمده مجاز ندم در مجلس هر چه دلشان میخواهند میگویند )

**رئیس -** هیچکس مجاز نیست ساکت باشید **کشافورز صدر** - اجازه بفرمائید بنده خودم با آقای مهندس رضوی يك حسابی داریم ایشان اینجا تصفیه میکنند حسابشان را .

**رئیس -** شما هم حرف خودتان را بزنید . **کشافورز صدر -** مقصود بنده این بود که این اداره املاک و اگذاری برابر بودجه وزارت دادگستری حقوق می گیرد و حال آن که احتیاجی ندارد و با يك بودجه کمتر از این اداره میشود و وزارت دادگستری معاون آن حقوق میگیرد ، من برای مقایسه گفتم و حالا عرضی ندارم که او عوض بشود یا کم بشود یا زیاد بشود و حال من عرض میکنم بنده از کسانی هستم که اگر بگویم در بودجه دولت بعضی از ادارات زیاد است از کسانی نیستم که بخواهم منفی بانی بکنم و بگویم که حتما بیایند اعضاء این ادارات را بیرون کنند خیر این عقیده را ندارم و عقیده ام این است که اعضاء این اداره املاک و اگذاری را که اکثر اعضایش یعنی مدیر کل هاشان مردم صحیح العملی هستند و اشخاص دقیقی هستند مثل آقای بر خوردار و آقای دکتر نصیری و امثال آنها اینها را بزرگوار بفرمائید و بدهید به بانک صنعتی که آنجا را اداره میکنند و بودجه علیحده نداشته باشد یکی بگر از عللی که موجب ضعف قوه قضائیه شده است عدم رسیدگی بتغلفات قضاوت است ( صحیح است ) یعنی اهمیت ندادن بانحرافات قضاوت است در دادگستری ، اگر يك قاضی به بیند که او تحت تعقیب در نامه بیاید به بیند مراقبت و مواظبی ندارد ، به بیند آمار و احصائیه آراو نمیخواهند ، به بیند که تغلفات او را کسی شاهد و ناظر نیست و تعقیب نمیکند ، این موجب ضعف و خرابی دستگاه قضائی خواهد بود ( صحیح است ) بعقیده من میبایستی که دولت در قوه قضائیه باین نحو و کیفیت مداخله نکند و بمقدار کافی و وافق حقوق بقضاوت یا کدمان و شریف دادگستری داده شود و هر يك از اعضاء ادارات دادگستری یعنی دستگاه قضائی مملکت تغلف بکند باشد مجاز است او را محکوم به بکند یعنی بیباید اختیارات را يك قدری شدید تر بدهند بدست آقای آقا شیخ محمد عبده و از دست وزارت عدلیه بگیرند ، بگویند آقای عبده این تو و این قاضی متغلف او را تعقیب کن ( دماوندی - راجع بوکلای دادگستری هم بفرمائید ) اطاعت میکنم تریفتان را بکنم ؟ چشم ( خنده حضار ) بنا بر این بنده

عقیده مندم باینکه حسابی که کردم در حدود ۵۰۰ نفر قاضی جناب اشرف ( خطاب با آقای نخست وزیر ) در این مملکت از کوچک و بزرگ است ، ما اگر برای هر يك از این قضات ماهی دوهزار تومان قائل شویم کالبته بایستی قاضی صلحیه را با قاضی تمیز فرق گذاشت مقایسه کلی بکنیم سالی ۱۲ میلیون تومان بیشتر نمی شود و این بودجه برابر بانصف هزینه اتومبیلهای سواری مدیر کلها و معاونین و ادارات بانک صنعتی ( خنده حضار ) و دیگران خواهد بود ، ما در حدود ۱۲۰۰ اتومبیل سواری ، جناب اشرف در این تهران و شهرستان های بزرگ زیر پای مدیر کلها ، رؤسای ادارات حتی رؤسای دوایر شعب ، بازرشهای ویژه و بازرشهای غیر ویژه که زیر پای اینها است و این روی مقیاس که آقایان گرفته بودند هر اتومبیل ماهی یک هزار تومان شوق و بهزین ولاستیک و مصارف دیگر دارد که میشود روی هم سالی ۱۲ میلیون تومان وسالی ۱۲ میلیون تومان هم نکت پیدا میکند و میبایستی بایک مبالغی سال دیگر هم بخرند و حال اینکه بعقیده بنده خود جناب اشرف ممکن است توی اتومبیل تا کسی سوار بشوند یا خیر ایشان اتومبیل سواری هر وقت بخواهند سوار بشوند و زراه هم سوار بشوند ( نخست وزیر - بنده سوار اتومبیل دولتی نشده ام ) همانطور که خودتان توی اتومبیل دولتی سوار نمی شوید و زراه هم سوار نشوند ، خوب زراه را قبول داریم اینها سوار بشوند مانعی ندارد نمیتوانند سوار نشوند ( یکنفر از نمایندگان - استطاعت ندارند ) مجلس هم خیال میکنم حرفی ندارد ، امام مدیر کلها و معاونین تا آن ثبات از خانه اش یا شوزا ز پهلوی خانه بنده توی صکوچه آبخار باشد برود آنجا و با این وصف يك مدیر کل با اینکه سوار اتومبیل دولتی میشود عوض اینکه زودتر برود بوزارت خانه که بکارها رسیدگی کند باز ساعت ۹ در وزارتخانه حاضر میشود و بنده عقیده ام این است که از الان يك قدم اصلاحی از همین مجلس برداشته و بیرون که میروید دستور بدهید تمام اتومبیل های سواری را جمع کنند این ۱۲ میلیون تومان هزینه اینها در سال است ، در هر ماه يك میلیون تومان ( صحیح است ) و بعد اگر میخواهند آقایان سوار بشوند مگر آقای مدیر کل و معاون تقم دوزده کرده اند که آن بدبخت های فلک زده نکرده اند ، يك اتومبیل ، يك اتوبوس درست بکنند و سوار بکنند آقایان را ، هم مدیر کل توی آن بنشیند و هم معاون ( صحیح است ) این است که چون بنده آثار امیدواری از ناصیه دولت حس میکنم نسبت باصلاح بودجه دادگستری و ترمیم حقوق قضاة توجهی خواهند کرد بنده بیشتر از این در اطراف این موضوع صحبت نخواهم کرد و تقاضای بنده این است که این مسئله در برنامه دولت با همین تفصیلی که عرض کردم گذاشته شود و ضمناً تاموقمی که استقلال قضاوت بامشورت علماء علم حقوق و مظهرین تامین نشود مستمدم که دولت دستور بدهد مدعی العموم تیز ، رئیس تیز ، رئیس محکمه انتظامی و دو نفر از روسای شعب دیوان تیز مأمور مطالعه در تغییر و تبدیل قضاة باشند یعنی اختیار را از وزیر دادگستری و دولت تفویض بکنند باین نفر که این ها به بیند هر جا شکایتی میشود مصلحتی اقتضای کند مشاوره بکنند و با کثرت يك قاضی را تغییر بدهند و مادامی که آن قانون نیامده باین ترتیب و

باین نحو عملی شود ، اما يك موضوع دیگر كه این آقای مهندس رضوی حالا اظهار تشکر از بنده قطعاً خواهند فرمود ، آن طرح مبارزه با دزدی است ( مهندس رضوی - صحیح است ، احسن ) اتفاقاً و بدبختانه در برنامه دولت با اینکه انتظار میرفت و با اینکه در اعلامیه های بی دربی اشاره شده بود راجع باین مطلب هم تذکره داده شده است و حال آنکه عقیده بنده این است که سر منشا تمام بدبختی ها و بیچارگی و ذلت ملت ایران در اثر این دزدی است و عدم مبارزه با دزدی ( مهندس رضوی - کاملاً صحیح است ) بنده يك روزنامه را دارم کدر او يك اعلام جرمی شده است و نوشته اند که واقماً سرسام آوراست و پیداست که با امضاء هم هست یعنی يك شخصی نوشته و اعلام کرده ولی امضاء مستعار خودش را گذاشته ، بنده عقیده ام این است که اگر مجلس و دولت تردیدی در این قضیه دارند که پیشنهادی که من میخواهم برای مبارزه با دزدی بکنم عقیده دارند که خیر دزدی نمیشود این اقدام را بخوانم و اگر تردیدی ندارند من اینجا نخوانم تا باز در مجلس دوباره دچار محظور بشوم و همگی بگویند اسم ببرید آنوقت اسباب رنجش از یکطرف و اخطار ماده ۱۰۹ از طرف دیگر شروع بشود ( رحیمیان - اگر مربوط بنمایند آن است که مانعی ندارد بخوانید ) بخوانم آنرا قربان ؟ ( معتمد دماوندی - آن روزنامه اسمش چیست ؟ ) صدای وطن ، استدعا میکنم آقای دماوندی بنده را با خودتان طرف نکیند ، همکار هدیه چی بودیم آقایان نشه فرمایشی بکنید که آنوقت آقای مسعودی هم از آنجا جواب بدهند ، در این روزنامه يك شخصی که عقیده بنده دانشمند مطلع در امور قضائی هم بوده است يك مطالبی را برای استحضار آقای قوام السلطنه بروزنامه داده است بنام آقای ی، و يك قرائن و دلایلی را هم ذکر کرده است ، همان طور که عرض کردم من اینها را میکوم در اینجاوند نویس ها هم مینویسند و بعد هم اینا و روزه را میدهم که البته بعد دستور خواهند داد باین اعلام جرمها رسیدگی شود با آن ترتیبی که در مبارزه با دزدی پیشنهاد کردم نه این که يك هیئت بازرسی برود . بنده خودم وقتی که آقای مقانی وزیر هدیه بودند رئیس هیئت بازرسی بودم و بخراسان رفتم ، ایشان بنده را خواستند بنده رفتم آنجا ۶۸ نفر را بنده و لطفی توقیف کردیم هی هم گفتند بما شمر لقب شمر بما دادند و آمدیم ۹ میلیون تومان دزدی بقیه خودم کشف کردیم رفت توی دیوان کفر خوابید ( مقانی - من متفصل شدم ، تعقیب نشد ) ( غلامرضا فولادوند - آقای کشاورز صدر شما قاضی هستید تعقیب متهم مگر با آقای نخست وزیر است ) ( مراقبتش بادولت است ) ( فولادوند - مدعی الموم مگر نیست )

**رئیس -** بفرمائید صحبت خودتان را بکنید .  
**کشاورز صدر -** برای این که من ثابت بکنم که باید با دزدی مبارزه بشود بنده دارم اینها را میخوانم و الا غرضی با آنها ندارم . اول صدور تصویب نامه ها راجع به آزادی صدور فروش اتومبیل و مصون ماندن از حق تقدم دولت طبق مقررات قبل از جنگ و زمان جنگ که در اواخر شهریور ماه ۱۳۲۰ صادر گشته است ، بکفروشنه اتومبیل آرام باشم .

کاديلك سه دستگاه اتومبیل ودو ملیون ریال وجه نقد داده است که باید رفت او را خواست نشانند پشت میزی که مستنطق از او تحقیق بکند یا آقای شیخ محمد بروجردی برسد که آقا چه کسی این پول را گرفته بچه دلیل یا ثابت کن یا محاکمه شود یا محکوم شو دوم - فروشنده و نماینده هودسن سه دستگاه اتومبیل ودو ملیون ریال وجه نقد ، علاوه بر این آقای واسطه از ناش واستودیگر يك دستگاه بنام خود گرفته سوم - از نماینده کرایس سه دستگاه اتومبیل و دو ملیون ریال وجه نقد و ده دستگاه برای ادارات دولتی و وزارتخانه ها بطور معامله و بقیمت آزاد تجارتي چهارم - از فروشنده جیب پنجاه دستگاه برای دولت و دو ملیون ریال آوانتاژ بوسیله شخصی که واسطه آن معامله قبلی بوده است .

**نخست وزیر -** آقای کشاورز تمام دروغ است ، چرا وقت مجلس را میگیرید ؟  
**کشاورز صدر -** مقصود این است که رسیدگی شود .  
**سزوار -** اعلام جرم کنید و بسندید به دیوان کفر .  
**کشاورز صدر -** اجازه بدهید ، بنده چند مورد دیگرش را کاری ندارم اینجا اثر دارد گفتنش .  
**فولادوند -** آقای کشاورز صدر نطق بآن خوبی تر آنرا آلوده بفرش نکیند بنده از روی ارادت عرض کردم .  
**کشاورز صدر -** من نظر خصوصی ندارم ، من نمیخواهم که آلودگی به فرض اسم برده باشم .  
**رحیمیان -** اسم اشخاص را بفرمائید ، شما اسم برده اید ، از اصل میخواستید اسم نبرید ، حالا که اسم بردید و مربوط به نمایندگان مجلس است بایستی بخوانید .  
**کشاورز صدر -** اجازه بفرمائید بنده آقا قسم خورده ام و بخدای واحد سوگند یاد میکنم که از روی غرض حرفی نزنم حالا من اینجا نخواستم این ورقه را بچشم مردم بکنم ، خواستم ثابت کنم که در این مملکت دزدی میشود .  
**نخست وزیر -** دزدی میشود ( بکنفر از نمایندگان اگر کسی اینجا هست شما باید اسم ببرید ، چرا نمیخوانید )  
**جمعی از نمایندگان -** اسم ببرید برای اینکه شما نسبتی با نهاد داده اید .  
**کشاورز صدر -** بنده نمیگویم ، نسبتی بنده ندارم .  
**رئیس -** حرف خودتان را بزنید چرا دوتنر دوتنر با یکدیگر صحبت میکنید . شما آزاد هستید این جا هر چه میخواهید بگوئید .  
**کشاورز صدر -** چرا نمیکند آقا حرفان را بزنیم من غرضی که با کسی ندارم ، طرح مبارزه با دزدی است . آقای رئیس جناب عالی هم توی حرف بنده میدوید .  
**رئیس اسفندیاری -** آقای کشاورز اگر شما میفرمائید اسمی ندارد چرا آفتاب راجع به نمایندگان است .  
**کشاورز صدر -** آقای یمن بگذارید اینجا آرام باشم .

**معتمد دماوندی -** بگذارید بخوانند .  
**یک نفر از نمایندگان -** این چه حرفی است .  
**معتمد دماوندی -** بگذارید بخوانند قربان .  
**کشاورز صدر -** اجازه بفرمائید بنده دنبال هرايش خودم را میگوم ( همه نمایندگان ) يك طرح مبارزه با دزدی بود ، بنده می نیاز از این هستم که امثال و نظایری بیاورم که در این مملکت دزدی و غارت و امثال اینها میشود زیرا موضوع بحد شایع رسیده و احتیاج باین نیست که امثال و نظایری ذکر شود و نام کسیکه شاید در بین آنها بدبینگاه بیرون بیاید درجائی برده شود ( صحیح است ) در دیوان کفر ده هزار پرونده معوقه موجود است ( آشتیانی زاده - اسمیرا بگوئید ) چرا ذلت میکنید شما که خودتان میدانید .  
**نخست وزیر -** بخوانید شاید دیگران هم بدانند .  
**کشاورز صدر -** این روزنامه است و همه آقایان آنرا خوانده اند ، بنده که نخواستم مخالفت بکنم با این اشخاص یا اعلام جرم بکنم ، خواستم عرض کنم ، ده هزار پرونده کفری در دیوان کفر خوابیده است بقیه بنده تعقیب دزدی و مبارزه با دزدی در مملکت ما از صورت عادی خارج شده است یعنی باید يك وسیله فوق العاده ای که با این ترتیب و معمول و با این قوانین نباشد بآن متوسل شد تا بلکه بشود ریشه دزدی را کند یا لا اقل از تعداد و رقم بزرگ آن کاست ( بکنفر از نمایندگان - در دنیا هم منظور است ) اینست که الان اگر ما بخواهیم بنده خودم قاضی جزائی بوده ام و آقایان و کلا و قضات دیده اند که اکثرآ در مواقعیك يك مسئله مشكلی وزارت دادگستری بر میخورد که يك آدم سر سخت و قرصی لازم داشت بنده را میفرستادند و همه جا هم در تمام این موارد ضرر شخصی کردم ( برزین - صحیح است ) دشمن برای خودم فراهم کردم زیرا که خودم از همه کس بهتر میدانم کس الان هم با این قوانین قادر باین نیستم که بتوانم يك دزد را کعلم وجدانی دارم بر اینکه او دزد است ادعایانم برایش بدهم و بیاورند به محکمه ، بنابراین ناچارو ناگزیز بایستی يك وسیله فوق العاده ولو بطور موقت متشبث و متوسل بشوم و این بقیه بنده طریحی است بنام طرح مبارزه با دزدی باین ترتیب كه انتخاب شصت نفر از قضات و غیر قضات که در رشادت و صحت عمل آنان تردیدی نباشد برای رسیدگی با استفاده های نا مشروعی که از شهریور ۱۳۲۰ تا کنون از بیت المال دولت شده است ، برای مرکز ده نفر برای استانها هر استانی پنج نفر ( قبادیان - از بیست سال پیش را بفرمائید ) آنها مشمول مرور زمان شده است ( فولادوند - کسی گوش بصرف آقای طوسی نداد ) این است که بنده عقیده دارم بایستی يك طریحی تهیه شود و شصت نفر را از این عده زیادی از اشخاص که هیچ تردید و شبهه در سرسختی و زمختی و درستی آنها نباشد انتخاب بکنید ، در مملکت ما در این مورد که بنده پیشنهاد کردم رشادت و سرسختی و قرصی مهم تر از صحت عمل است ، این صفت برای این قبیل اشخاص مهمتر است صحیح العمل خیلی داریم ، من اکثر آقایان را دیده ام و قسم میخورم که صحیح العمل اند ولی بخدای واحد از دزدها حمایت میکنند ، خودشان

صحیح هستند خودشان درست هستند ولی از دزدها حمایت میکنند و دزدها را تقویت میکنند و نمیکند از دزدها که این دزدها تعقیب بشوند ( صحیح است ) بنابراین صفت دوم برای این اشخاص خیلی مؤثر است دوم تصویب يك ماده واحده مبنی بر تقویض اختیارات باین هیئت ها که از روی قرائن وجدانی بمحض حصول علم اجمالی وجداناً که علم اجمالی برای آنها حاصل شده تمهیداً بر توفیق و محکوم کنند ، من بخلاف دیگر آقایان نمی خواهم بگویم اهدام بکنند ، مجازات شدید بکنند ، خیر بنده میگوم همان چیزی را که از خزانه دولت برده اند بگیرند یکی دوسال هم حبسش کنند بدهم اخراجش کنند ( سزاور - دزدهای دیگری هم هستند ) سوم اینکه ... آنچه عرض کردم در این طرح باشد متضمن سه جمله بود یکی اینکه ۶۰ نفر برای این کار انتخاب بشوند و مجلس بخواهد ازدولت که دولت تصویب بکند که باینجا اختیار داده شود برای برهم زدن این وضع ولو بطور موقت ، اینهاروی علم اجمالی و روی وجدان قضاوت بکنند و این اشخاص که متهم شده اند ، دوسه دارند یا ندارند یا متهم میشوند معرفی بکنند این جزء این ماده بشود يك جزء دیگر هم دارد و آن این است که نسبت به طریقه رسیدگیها مابعد باشکال بر خواهیم خورد که ایندوسه را جلو بگذاریم یا آندوسه را ، این یکی مهمتر است یا آن یکی مهمتر است ، برای این که باین تفصیلات هم بر نغوریم چون خرابی همیشه از دستگاههای بالای مملکت شروع کرده و بدستگاه پایین نفوذ پیدا کرده اینچاهم از بالا شروع شود چطور همیشه اتومبیل از بالا است بیشتر مزایا از بالا شروع میشود مجازات را هم از بالا شروع کنید تا برسیم به پایین و این طرز رسیدگی هم اگر خدا خواست و دولت هم رشادت بفرج داد این ماده را آورد و مجلس هم انشاء الله تصویب کرد ، آن وقت اول شروع بکنید از وکلای مجلس ، اول وکلای مجلس را که مورد اتهام هستند ( صحیح است ) و من هم میگوم که بدون اعلام جرم من را معاکه کنید بعد از نخست وزیران و وزیران ، معاونین و مدیر کل ها ( صحیح است ) بعد نسبت بغیر مستخدمین ، غیر مستخدم هم همانطور که گفتیم خیلی داریم ، نسبت به غیر مستخدمین دولت از آنها هم که اقلام اتهام آنان در دست تر و بزرگتر است شروع شود ، این است که بنده بیشتر از این راجع باین قسمت توضیحی عرضی نمیکنم و امیدوارم که دولت متذکر شود .

**یک نفر از نمایندگان -** مابقی باشد برای جلسه دیگر .  
**رئیس -** صحبت شما تمام نشده است ؟  
**کشاورز صدر -** هنوز راجع بیرنامه دولت چیزی صحبت نکرده ام .  
**رئیس -** پیشنهاد ختم جلسه رسیده است .  
مخالفی نیست ( گفته شد تنفس بدهید )  
**قبادیان -** جلسه را هم تعیین بفرمائید آقای رئیس .  
**رئیس -** آقایان ساکت باشید ، پیشنهاد آقای دهقان راجع به ختم جلسه قرائت بشود .  
( پیشنهاد بشرح ذیل قرائت شد )

پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای کشاورز - صدر جلسه ختم شود .  
**کشاورز صدر -** بنده بیاناتم تمام نشده است و مذاکرات زیادی دارم .  
**دهقان -** تنفس باشد پیشنهادم برای این است که ...  
**رئیس -** ایشان پیشنهاد میکنند بعنوان تنفس **مهندس رضوی -** بنده مخالفم .  
**رئیس -** تنفس نمیشود برای اینکه مایک کار های دیگری هم در دستور داریم و باید جلسه ختم شود .  
**آصف -** بنده مخالفم .  
**رئیس -** بفرمائید .  
**آصف -** بنده مخالف باتنفس نیستم ولی مخالف بايك چیزی هستم که آنرا باید عرض کنم و آن این است که در اوایل تشکیل جلسه بواسطه يك تشنجی که تولید شده بود بنده از همکاران محترم تقاضا کردم که بآن موضوع خاتمه داده شود برای این که مردم بعد از یکسال و نیم منتظر تشکیل مجلس دوره ۱۵ بودند که دولتی بیاید و ببرد های آنها رسیدگی کند و خیلی خوشوقت از اینکه همکاران محترم بنده توافق فرموده بايك تفاهم بیشتری ما آمده ام بمجلس و تمایل خودمان را راجع بزمامدار آتیه گفتیم از آنجاییکه در وجود اعلیحضرت همایونی يك روح دموکراسی هست و همیشه رعایت مقررات پارلمانی را میفرمایند و در واقع خودشان حافظ قانون هستند بتوسط رئیس مجلس تمایل مجلس را خواسته و بررضشان رسید و امر فرمودند جناب اشرف آقای قوام السلطنه دولت را تشکیل دادند و بواسطه کلمات ایشان ۱۵ روز بر خلاف رویه ای که سابق خودشان داشته اند تأخیر شده ، حالا مردم که ما را مأموریت داده اند باینجا آمده ایم برای این است که هرچه زودتر همانطور که وکلای ما ساعات و دقائق را بانگشت میسرند برای اینکه سر نوشت این کشور معلوم شود بنده عقیده ام این است که اگر هم تنفس میدهید عصر بیائیم ، صبح بیائیم تا این کار خاتمه پیدا کند و تکلیف دولت معلوم شود انشاء الله و باقیا هم بیشتری بفتح این جامه قسمهائی برداریم .

**بعضی از نمایندگان -** جلسه فردا .  
**۲ - تعطیل جلسه بعنوان تنفس**  
**رئیس -** جلسه را بعنوان تنفس ختم میکنم روز ه شنبه مجلس خواهد بود ، اول هم اعتبارنامه آقای ارسنجانی بعد هم برنامه دولت .  
**کشاورز صدر -** حق بنده محفوظ است .  
( مجلس یکساعت و پنج دقیقه بعد از ظهر بعنوان تنفس تعطیل شد )

### اخبار مجلس

روز شنبه ۲۸ شهریور ۲۶ ساعت ۹ صبح که مقرر شده بود کمیسیون دارائی برای طرح لایحه ساختمان پنج هزار باب خانه برای کارمندان دولت بواسطه عدم حضور آقای وزیر دارائی تشکیل نشد

ساعت ۸ صبح شنبه ۲۸ سو کمیسیون شعبه ۴ برای رسیدگی بیرونده انتخابات اردبیل تشکیل و قسمتی از بیرونده مزبور مورد مطالعه قرار گرفت .  
ساعت ۹ ونیم شعبه پنجم برای انتخابات یزد بریاست آقای ملک مدنی تشکیل پس از توضیحاتی که آقایان هراتی و فاضلی نمایندگان یزد دادند چون مذاکرات کافی تشخیص شد بدو نمایندگان آقای فاضلی از یزد رای گرفته از ۱۲ نفر عده حاضرین شش رای موافق و يك رای سفید و پنج رای مخالف بود . بعد بنمایندگی آقای نواب یزدی رای گرفته با اکثریت تصویب و سپس بنمایندگی آقای هراتی از یزد رای گرفته از ۱۲ نفر عده حاضر شش رای موافق و دو يك سفید و چهار رای مخالف بود و در نتیجه یک نفر تصویب شده تلقی گردید .  
سپس بیرونده انتخابات مشکین شهر و نمایندگان آقای دکتر متین دفتری مطرح پس از قرائت صورت جلسه انتخابات رای گرفته با اکثریت تصویب و بعد بیرونده انتخابات سقز مطرح پس از قرائت صورت جلسه انتخابات رای گرفته نمایندگان آقای هاسبی از سقز با اکثریت تصویب شد .  
نیم ساعت بعد از ظهر جلسه ختم گردید .  
رئیس اداره کمیسیونها  
روزیكشنبه ۲۹ شهریور ۲۶ شعبه اول بریاست آقای یمن اسفندیاری تشکیل بیرونده انتخابات اصفهان مطرح پس از تذکراتی در اطراف اعتراضات - معترضین و آراء قهپایه و ماربین آقای دکتر بقائی پیشنهادی نمودند که روی آن رای گرفته شود ولی بواسطه تشکیل جلسه علنی مجلس رای پیشنهاد ایشان بجلسه بعد موکول شد .  
روز دوشنبه ۳۰ شهریور ۲۶ سه ساعت قبل از ظهر شعبه اول بریاست آقای یمن اسفندیاری تشکیل در اطراف مذاکرات جلسه قبل و پیشنهاد آقای دکتر بقائی مذاکرات مفصلی بعمل آمد بالاخره قرار شد پیشنهاد ایشان که از این قرار است جداگانه رای گرفته شود .  
۱ - نظر انجمن نظار اصفهان نسبت بآراء و صندوق (سده) و (ماربین) صحیح است یاخیر .  
۲ - نظر انجمن نظار اصفهان نسبت بآراء و صندوق قهپایه صحیح است یاخیر .  
۳ - نظر خود شعبه نسبت بانخابات اصفهان در قسمت اول رای مخفی گرفته از ۱۶ نفر حاضرین ده رای موافق نظر انجمن نظار اصفهان ۶ رای مخالف بود .  
در قسمت دوم رای گرفته ۹ نفر موافق نظر انجمن ۷ نفر مخالف بودند .  
در قسمت سوم رای گرفته از ۱۵ نفر آقایان حاضرین ۹ نفر موافق ۶ نفر مخالف بودند .  
ساعت ۱۰ وربع جلسه ختم گردید .  
رئیس اداره کمیسیونها  
روز دوشنبه ۳۰ شهریور ۲۶ دوساعت قبل از ظهر کمیسیون بازرگانی و پیشه و هنر بریاست آقای امین - التجار تشکیل و در اطراف امور اقتصادی مذاکراتی بعمل آمد .  
رئیس اداره کمیسیونها

# تصویب نامه

شماره ۷۶۲۱  
وزارت دادگستری

در تعقیب تصویب نامه های شماره ۱۷۱۰ - ۴۸۰۴۲ - ۲۵۱۲۲۵ و شماره ۷۶۲۱ - ۱۳۲۶۴۱۶ هیئت وزراء در جلسه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۲۵۷۱۰ وزارت دادگستری تصویب نمودند که مدت مقرر در تصویب نامه شماره ۷۶۱۲ - ۲۶۶۴۱۶ از اول مهر ماه برای مدت ۵ ماه دیگر که منتها تا آخر بهمن ماه ۳۲۶ میشود تمدید شود و قیدی که راجع بدم قبول عرض حال در آن تصویب نامه شده است اثناء میشود و وزارت دادگستری مکلف است که قانون تعیین تکلیف موجود مستأجرا در ظرف یکماه برای تقدیم بمجلس شورای ملی بهیئت وزراء پیشنهاد نماید.

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است  
از طرف نخست وزیر

۳۵۴۹۴  
شماره ۱۱۷۷۲  
وزارت جنگ

هیئت وزیران در جلسه ۲۱ شهریور ماه ۳۲۶ بر حسب پیشنهاد شماره ۴۴۱۹۳ - ۴۵۸۵۳ وزارت جنگ و بر طبق تصمیم کمیسیون بازنشستگی و مستمری منقده در ژاندارمری کل کشور تصویب نمودند که وظیفه وراث قانونی ژاندارم عزیزالله مشهور بیافر فرزند خلیل که در تاریخ ۲۱/۹/۲۴ در راه انجام وظیفه مقتول گردیده از تاریخ ۲۳/۹/۲۴ بشرح زیر

۱ - رقبه مقصودی ۴۴ ساله عیال مقتول ۲۰۰ ریال

۲ - رمضان مقصودی دارغ ۱۷ ساله پسر مقتول ۲۰۰ ریال

۳ - بهرام مقصودی دارغ ۵ ساله پسر مقتول ۲۰۰ ریال

از صندوق بازنشستگی ارتش پرداخت و مراتب در فرمان عمومی ارتش درج شود  
تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است  
از طرف نخست وزیر

وزارت جنگ

هیئت وزیران در جلسه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۲۶ بر حسب پیشنهاد شماره ۴۴۱۸۹ - ۴۸۵۱ وزارت جنگ و بر طبق تصمیم کمیسیون بازنشستگی و مستمری منقده در ژاندارمری کل کشور تصویب نمودند که وظیفه وراث قانونی ژاندارم یوسف فرزند علی اکبر شهرت چناقلو مسکن جوان که در تاریخ ۲۹/۹/۲۴ در راه انجام وظیفه مقتول گردیده از تاریخ ۳۰/۹/۲۴ بشرح زیر

۱ - سکینه پور فرح چناقلو ۲۴ ساله عیال ۱۰۰ ریال  
۲ - کشور چناقلو مسکن جوان ۱۰ ساله دختر ۱۰۰ ریال  
۳ - قهرمان چناقلو مسکن جوان ۷ ساله پسر ۱۰۰ ریال  
۴ - فرمان چناقلو مسکن جوان ۳ ساله پسر ۱۰۰ ریال

از صندوق بازنشستگی ارتش پرداخت و مراتب در فرمان عمومی ارتش درج شود  
تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است  
از طرف نخست وزیر

وزارت جنگ

هیئت وزیران در جلسه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۲۶ بر حسب پیشنهاد شماره ۴۴۱۹۱ - ۴۸۵۲ وزارت جنگ و بر طبق تصمیم کمیسیون بازنشستگی و مستمری منقده در ژاندارمری کل کشور تصویب نمودند که وظیفه وزارت ژاندارم کریم فرزند حسن شهرت ایمان لاری که در تاریخ ۲۱/۹/۲۴ در راه انجام وظیفه مقتول گردیده از تاریخ ۲۲/۹/۲۴ بشرح زیر

۱ - ربابه ایمان لاری ۵۸ ساله مادر مقتول ۳۰۰ ریال

۲ - عزیز مصباح انور ۴۹ ساله خواهر مقتول ۳۰۰ ریال

از صندوق بازنشستگی ارتش پرداخت و مراتب در فرمان عمومی ارتش درج شود  
تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است  
از طرف نخست وزیر

## آقای محمد مهدی نعم آبادی سردفتر اسناد رسمی دهستان عشق آباد لیشابور

بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفتر معاملات پذیرفته میشود  
وزیر دادگستری

## آقای سید مهدی مروج آلی سردفتر سابق ازدواج و طلاق قصبه هفتگل رامهرمز

بموجب این ابلاغ دفتر شما را مجدداً در قصبه هفت گل برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد  
وزیر دادگستری

## آقای حسین ایرانمدار سردفتر اسناد رسمی شماره ۳۶ اصفهان

پیرو شماره ۱۴۰۲/۱۰۲۰۱ - ۲۶۶۴۱۷ چون محاکمه انتظامی شما منتهی بپرداخت جزای نقدی شده لذا بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شما از شغل سردفتری اعلام میشود کما فی السابق مشغول انجام وظیفه شوید

وزیر دادگستری

آقای سید حسن مظلومی سردفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق بابل  
ابلاغ شماره ۷۷۱۸/۱۶۲۴۰ - ۲۶۶۴۱۸  
راجع بانقالت محل رسمیت دفاتر شما بشهر گرگان بر حسب تقاضای خود شما کان لم یکن می شود کما فی السابق بسر دفتری اسناد رسمی ازدواج و طلاق شهر بابل انجام وظیفه نمائید  
وزیر دادگستری

آقای سید جلال محسنی اردهالی  
بموجب این ابلاغ دفتر شما را در تهران برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد  
وزیر دادگستری

آقای محمد اعماد عمادی  
بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در بلوک علویکلاه شهسوار برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد  
وزیر دادگستری

آقای عبدالرحیم روحانی سردفتر اسناد رسمی همدان در جز نظر باینکه بر اثر گزارش واصله تحت تعقیب دادگاه انتظامی سردفتران واقع شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی تا خاتمه رسیدگی بتخلف شما در دادگاه نامبرده شما را از تصدی دفتر اسناد رسمی معلق مینماید  
وزیر دادگستری

آقای محمد نبی شریعت  
بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم دهستان گرانی کرس منسوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید  
وزیر دادگستری

آقای عبدالوهاب امامزاده  
بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم سقز منسوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید

وزیر دادگستری

آقای زیانشتو  
بموجب این ابلاغ دفتر شما را در شهر رضائیه برای ثبت ازدواج طایفه کاتولیک رسمیت میدهد  
وزیر دادگستری

آقای محمد شریفی سردفتر اسناد رسمی بلوک جاسب  
بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در بلوک جاسب برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد  
وزیر دادگستری

آقای سید اسماعیل حلبی سردفتر ازدواج و طلاق شهر رضائیه  
نظر باینکه بر اثر گزارش واصله در مورد ثبت وقایع طلاق تحت تعقیب دادگاه انتظامی سردفتران واقع شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی تا خاتمه رسیدگی بتخلف شما در دادگاه انتظامی شما را از تصدی دفتر طلاق معلق می نماید  
وزیر دادگستری